

من کنت مولاه فهذا علی مولاه
قرآن و غدیر
محسن قرائتی

بسم الله الرحمن الرحیم

# قرآن و غدیر

نویسنده:

محسن قرائتی

ناشر چاپی:

مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

# قرآن و غدیر

## مشخصات کتاب

سرشناسه : قرائتی، محسن، ۱۳۲۴ -

عنوان و نام پدیدآور : قرآن و غدیر/ محسن قرائتی.

مشخصات نشر : تهران: موسسه فرهنگی درسهایی از قرآن، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۸۸ ص.

شابک : ۱۸۰۰۰ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۲۱-۳۲-۳

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق -- اثبات خلافت

موضوع : غدیر خم -- جنبه های قرآنی

رده بندی کنگره : BP۱۰۴ /غ۴ ق۴۳ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۵۹

شماره کتابشناسی ملی : ۲۹۶۵۸۳۷

ص:۱

## اشاره

قرآن و غدیر

محسن قرائتی

ص:۳

## فهرست مطالب

۱۹. حقیقت محض ۵۳

ص:۵

ص:۶

## پیشگفتار

سفر حج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در سال آخر عمر شریفشان را "حجه الوداع" می‌نامند.

در آن سال پیامبر، برای انجام حج اعلان عمومی داد و برخی را با ارسال نماینده و نامه به حج دعوت کرد و وعدگاه همه را ذوالحلیفه (مسجد شجره) قرار داد.

در سال دهم هجرت مسلمانان از سراسر مناطق اسلامی عازم حج شدند و حضرت علی علیه السلام که برای دعوت به اسلام از طرف پیامبر اکرم به یمن رفته بودند، از آنجا به حاجیان ملحق شدند.

پس از انجام مراسم حج و هنگام بازگشت، نزدیک ظهر به منطقه «غدیر خم» رسیدند که کاروانیان در آنجا از هم جدا می‌شدند. پیامبر فرمان داد تا منادی ندا دهد: همه ی مردم متوقف شوند و منتظر بمانند تا آنان که پیش رفته اند بازگردند و آنان که پشت سر هستند ملحق شوند.

شدّت گرما به حدّی بود که مردم و حتی خود حضرت گوشه ای از لباس خود را بر سر انداخته و گوشه ای از آن را زیر پای خود قرار داده بودند، و عده ای از شدت گرما عبای خود را به پایشان پیچیده بودند!

سپس با روی هم چیدن اسباب و وسایل و جهاز شتران، جایگاه بلندی ساختند به گونه‌ای که پیامبر در وسط آن جمعیت دهها هزار نفری قرار بگیرد تا صدای حضرت به همه برسد و همه او را ببینند.

پس از نماز جماعت ظهر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بر فراز آن ایستادند و امیرالمؤمنین علیه السلام را فراخواندند تا در سمت راست آن حضرت بایستد.

سپس حضرت خطابه تاریخی خود را ایراد فرمود که حدود یک ساعت به طول انجامید و ضمن بیان آیات متعددی از قرآن، حضرت علی علیه السلام را به عنوان جانشین پس از خود معرفی فرمودند: «مَن کُنتُ مَولاه فَهذا علیٌّ مولاه»

افراد حاضر با حضرت علی علیه السلام به عنوان امیر مؤمنان بیعت کردند. با تدبیر پیامبر زنان نیز بیعت نمودند به این روش که تشت آبی را آماده کرده و دست مبارک خود را در آن قرار داده و زنان دست خود را در طرف دیگر آن گذارده و بیعت می کردند.

در تاریخ اسلام واقعه‌ای به این مهمی وجود ندارد؛

واقعه‌ای با جمعیت و بیعتی بی‌نظیر، با سخنرانی و خطابه‌ای کم نظیر از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم ، خطبه‌ای که خاندان پیامبر فرزندان و نزدیکان خود را به خواندن و حفظ آن سفارش و تشویق می کرده‌اند.

ماجرایی که خداوند به پیامبرش فرمود: اگر آن را ابلاغ نکنی، رسالتت به انجام نرسیده است.

واقعه‌ای که اکمال دین و اتمام نعمت و به امر خداوند متعال است.

روزی حساس و سرنوشت ساز، روز عیدی که امام رضا علیه السلام درباره‌اش می‌فرماید:

روز رهایی از اندوه و غم ؛ «وَهُوَیَومُ تَنفیسِ الکَربِ»

روز زائل شدن گناه ؛ «وَیَومُ تَحطیطِ الوِزرِ»

روز بخشش و عطاء؛ «وَیَومُ الحَباءِ وَالعَطِّیَهِ»

روز گسترش و نشر علم ؛ «وَ یَومُ نَشرِ العِلمِ»

روز مژده و عید اکبر ؛ «وَ یَومُ البِشارَهِ وَالعیدِالاَکبرِ»

روز مستجاب شدن دعا ؛ «وَیَومُ یُستَجابُ فیهِ الدُّعاءُ»

روز موقف عظیم ؛ «وَیَومُ المَوقِفِ العَظیمِ»

روز پوشیدن لباس شادی و بیرون آوردن لباس سیاه؛ «وَیَومُ لَبسِ الثِّیابِ وَنَزعِ السَّوادِ»

روز شرط گذاشتن برای قبولی اعمال؛ «وَیَومُ الشَّرطِ المَشرُوطِ»

روز زدودن غم و اندوه ؛ «وَیَومُ نَفیِ الهُمُومِ »

روز چشم پوشی از خطاهای شیعیان امیرمؤمنان (به غیر از حق الناس)؛ «وَیَومُ الصَّفحِ عَن مُذنِبی شیعَهِ امیرالمؤمنین»

روز پیشی گرفتن (در خیرات) ؛ «وَیَومُ السَّبقَهِ»

روز کثرت صلوات بر پیامبر و آل او ؛ «وَیَومُ اِکثارِ الصلاهِ علی محمّدٍ وآل محمّد»

روز خشنودی خدا وملائکه و انبیاء و اولیاء و مؤمنان؛ «وَ یَومُ الرِّضا»

روز عید اهل بیت پیامبر صلوات الله علیهم ؛ «وَیَومُ عیدِ اَهلِ بیتِ محمدٍ»

روز پذیرفته شدن اعمال مؤمنان ؛ «وَیَومُ قَبُولِ الاَعمالِ »

روز طلب ازدیاد

رزق و روزی ؛ «وَیَومُ طَلَبِ الزِّیادَهِ»

روز آسایش وآرامش اهل ایمان ؛ «وَیَومُ اِستِراحَهِ المُؤمنین»

روز بهره‌وری و تجارت نیکان ؛ «وَیَومُ المَتاجِرَهِ»

روز دوستی و محبت؛ «وَیَومُ التَّوَدُدِ »

روز وصول به رحمت واسعه‌ی الهی؛ «وَیَومُ الوُصولِ اِلی رَحمَهِ الله»

ص:۹

روز تزکیه و خودسازی؛ «وَیَومُ التَّزکِیه»

روز ترک گناهان کبیره

و انواع گناهان ؛ «وَیَومُ تَرکِ الکَبائِرِ وَالذُّنُوب»

روز بندگی و عبادت ؛ «وَیَومُ العِبادَهِ»

روز افطاری دادن به روزه داران؛ «وَیَومُ تَفطیرِ الصَّائِمین»

روز زینت و آراستگی (با پاداشهای بی شمار) ؛ «وَهُوَ یَومُ الزِّیَنَه»

روزی که اطعام مؤمنان ودیدار و زیارت یکدیگر توصیه شده و پاداش فراوان دارد.(۱)

البتّه این اولین و یا آخرین باری نبود که پیامبراکرم صلی الله علیه و آله وسلم علی علیه السلام را به جانشینی خود معرفی می- کرد، بلکه از همان اولین روز دعوت و در طول دوره رسالت بارها و بارها رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم علی را ستوده و او را به عنوان برترین خلق و جانشین خود معرفی کرده است.

خداوند نیز بارها و بارها در کتاب عظیم و جاوید خود اوصاف بی بدیل آن امام همام را برشمرده است.

در این نوشتار که برگرفته از تفسیر نور و بخشی از تفسیر نمونه است، قصد آن داریم تا قطره‌ای از دریای بیکران قرآن را در بیان قطره‌ای از دریای ولایت مولای غدیر تقدیم داریم و چهل چراغی را برای محبان آن حضرت و شیعیان ولایت مداراش روشن نمائیم.

از خوانندگان محترم تقاضا داریم نظرات و پیشنهادات خود را به نشانی: تهران صندوق پستی ۵۸۶/۱۴۱۸۵مؤسسه فرهنگی درسهایی از قرآن ارسال فرمایند.

ص:۱۰

---

۱- . اقبال الاعمال، ص ۴۶۴.

## ۱- ابلاغ ولایت، مأموریت پیامبر

(یـا أَیهَـا الرَّسُولُ بَلِّغْ مـا أُنْزِلَ إِلَیـکَ مِنْ رَبِّکَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَـلْ فَمـا بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَ اللهُ یعْصِمُکَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللهَ لا یهْـدِی الْقَوْمَ الْکافِرِینَ) «مائده، ۶۷»

ای پیامبر! آنچه را از سوی پروردگارت به تو نازل شده است (در مورد ولایت و جانشینی حضرت علی) اعلام کن واگر چنین نکنی، رسالت الهی را نرسانده ای و (بدان که) خداوند تو را از (شرّ) مردم (و کسانی که تحمّل شنیدن این پیام مهم را ندارند) حفظ می کند. همانا خداوند گروه کافران را هدایت نمی کند.

این آیه به دلایلی که خواهد آمد مربوط به جانشینی حضرت علی علیه السلام و نصب او به ولایت در غدیر خم به هنگام برگشت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم از سفر حج در سال دهم هجری است. جالب اینکه این آیه در میان دو آیه ای قرار گرفته که مربوط به

اقامه ی کتاب آسمانی است و شاید اشاره به این باشد که میان رهبر معصوم و اقامه کتاب آسمانی، پیوند محکمی برقرار است. آری، امام است که می تواند کتاب آسمانی را به پا دارد و این کتاب خداست که می تواند امام واقعی را معرّفی کند.

* همه ی مفسّران شیعه به اتکای روایات اهل بیت: و نیز بعضی از مفسّران اهل سنت به عنوان یکی از مصادیق، آیه را مربوط به نصب حضرت علی علیه السلام در غدیر خم به ولایت و امامت دانسته اند. (۱) جالب آنکه صاحب تفسیر المنار از مُسند احمد و ترمذی و نسائی و ابن ماجه، حدیثِ «مَن کنتُ مولاه فعلیّ مولاه» را با سند صحیح و موثّق بیان کرده است و سپس با دو جمله به خیال خود در آن تشکیک نموده است: اوّل این که مراد از ولایت، دوستی است. (غافل از آنکه دوستی نیاز به بیعت گرفتن و تبریک گفتن و آن همه تشریفات در غدیر خم نداشت) دوم آنکه اگر حضرت علی علیه السلام امام و رهبر بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بود، چرا فریاد نزد و ماجرای نصب خود را در غدیر نگفت؟! (غافل از آنکه در سراسر نهج البلاغه و کلمات حضرت علی علیه السلام ناله ها و فریادها مطرح است؛ ولی صاحب المنار گویا آن ناله ها و فریادها را نشنیده است).

* در تمام قرآن تنها در این آیه است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نسبت به کتمان پیام، تهدید شده که اگر نگویی، تمام آنچه را که در ۲۳ سال رسالت گفته ای هدر می رود. پس باید دید چه پیام مهمی است که این گونه بیان می شود؟



---

۱- . تفاسیر کبیر فخررازی و المنار.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم به حضرت علی علیه السلام فرمود: «لو لم أبلُغ ما اُمرتُ به مِن ولایتک لحبط عملی» اگر آنچه درباره ولایت تو است به مردم نرسانم تمام اعمال من محو می شود. (۱)

* در این آیه، چند نکته است که جهت گیری محتوایی آن را روشن می کند:

۱. سوره ی مائده، در اواخر عمر شریف پیامبر اسلام نازل شده است.

۲. در این آیه، بجای «یا أیها النّبی»، تعبیر «یا أَیهَا الرَّسُولُ» آمده است، که نشانه ی یک رسالت مهم است.

۳. به جای فرمان «أبلغ»، فرمان «بَلِّغْ» آمده که نشانه ی ابلاغ قطعی ورسمی ومهم است.

۴. پیامبر نسبت به نرساندن یک پیام مهم تهدید شده که اگر نگوید، همه ی زحماتش به هدر می رود.

۵. رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم از عواقب کاری هراس دارد که خداوند او را دلداری می دهد که ما تو را از شر مردم نگه می داریم.

۶. پیامبر، از جان خود نمی ترسد. زیرا در روزگار تنهایی که با بت پرستان مبارزه می کرد و در جنگ هایی که با مشرکان درگیری نظامی داشت، از خطرها نمی ترسید. (در حالی که سنگباران می شد، و یارانش شکنجه می شدند، حالا در اواخر عمر و در میان این همه یار بترسد؟!)

۷. در آیه، پیامی است که به لحاظ اهمیت، با همه پیام های دوران نبوّت و رسالت، برابر است که اگر این پیام به مردم نرسد، گویا همه ی پیام ها محو می شود.

ص:۱۳

---

۱- . تفسیر نورالثقلین؛ امالی صدوق، ص ۴۰۰.

۸. محتوای پیام، باید مسأله ای اساسی باشد، وگرنه در مسائل جزئی و فردی، این همه تهدید و دلداری لازم نیست.

۹. پیام آیه، مربوط به توحید و نبوّت و معاد نیست، چون این اصول، در روزهای اوّل بعثت در مکّه بیان شده و نیازی به این همه سفارش در اواخر عمر آن حضرت ندارد.

۱۰. پیام آیه، مربوط به نماز، روزه، حج، زکات، خمس وجهاد هم نیست، چون اینها در طول ۲۳ سال دعوت پیامبر بیان شده و مردم نیز به آن عمل کرده اند و هراسی در کار نبوده است.

پس، محتوای این پیام مهم که در اواخر عمر شریف پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نازل شده چیست؟

روایات بسیاری از شیعه و سنّی، ما را از تحیر نجات داده و راه را نشان می دهد. روایات می گوید: آیه مربوط به هجدهم ذیحجه سال دهم هجری در سفر حجهالوداع پیامبر اسلام است، که آن حضرت در بازگشت به سوی مدینه، در مکانی به نام «غدیر خم» به امر الهی فرمان توقّف داد و

همه در این منطقه جمع شدند. مکانی که هم آب و درخت داشت و در گرمای حجاز، کارساز بود و هم محلّ جداشدن کاروان های زائران مکّه بود و اهل یمن، عراق، شام، مدینه و حبشه از هم جدا می شدند.

در آنجا، پیامبر خدا در میان انبوه یاران، بر فراز منبری از جهاز شتران قرار گرفت و خطبه ای طولانی خواند. ابتدای خطبه، توحید، نبوّت و معاد بود که تازگی نداشت. سخن تازه ای که بود این بود که پیامبر، خبر از رحلت خود داد و نظر مسلمانان را نسبت به خود جویا شد. همه نسبت به کرامت و عظمت و خدمت و رسالت او در

حد اعلا اقرار کردند. وقتی مطمئن شد که صدایش به همه ی مردم، در چهار طرف می رسد، پیام مهم خود را نسبت به آینده بیان کرد. و فرمود: «مَن کنتُ مولاه فهذا فعلیّ مولاه» هر که من مولای اویم، علیّ مولای اوست و بدین وسیله جانشینی حضرت علی علیه السلام را برای پس از خود به صراحت اعلام داشت.

امّا پس از وفاتش، وقتی حضرت زهرا علیها السلام به در خانه های مردم می رفت و می گفت: مگر نبودید و نشنیدید که رسول خدا در غدیر خم چه فرمود؟ می گفتند: ما در غدیر خم، در فاصله دوری بودیم و صدای پیامبر را نمی شنیدیم!! اللّه اکبر از کتمان، از ترس، از بی وفایی و از دروغ گفتن به دختر پیامبر خدا.

آری، مردم با دو شاهد، حقّ خود را می گیرند، ولی حضرت علی علیه السلام با وجود ده ها هزار شاهد، نتوانست حقّ خود را بگیرد. امان از حبّ دنیا، حسادت و کینه های بدر و خیبر و حنین که نسبت به حضرت علیّ علیه السلام در دل داشتند.

* امام باقر علیه السلام فرمودند: «بُنی الاسلام علی خمس علی الصلاه و الزّکاه و الصوم و الحج و الولایه و لم يناد بشی ء كما نودی بالولایه فاخذ النّاس بارباع و ترکوا هذه»، اسلام بر پنج چیز

استوار است: بر نماز، زکات، روزه، زکات و ولایت اهل بیت و چیزی به اندازه ی ولایت مورد توجّه نبود، امّا مردم چهارتای آن را پذیرفتند و ولایت را ترک کردند!(۱)

امام رضا علیه السلام فرمود: بعد از نزول این آیه که خداوند ضامن حفظ رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم شد، «وَ اللَّهُ يعْصِمُکَ مِنَ النَّاسِ» پیامبر هر نوع تقیه را از خود دور کرد.(۲)

ص:۱۵

---

۱- . کافی، ج ۲، ص ۱۸.

۲- . تفسیر نورالثقلین؛ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۳۰.

* از این آیه نکات بسیاری برداشت شده است، از جمله:

۱- انتخاب رهبر اسلامی (امام معصوم) باید از سوی خداوند باشد. «بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیکَ مِنْ رَبِّکَ»

۲- گاهی ابلاغ پیام الهی بایـد در حضور مردم و در مراسم عمومی و با بیعت گرفتن همراه باشـد، ابلاغ ولایت با سـخن گفتن تنها کافی نیست؛ بلکه باید با عمل همراه باشد. «وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ» به جای «ان لم تبلغ»

۳- احکام و پیام هـای الهی، همه در یک سـطح نیست. گاهی کتمان یک حقیقت، با کتمان تمام حقایق برابر است. «وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ»

۴- اگر رهبری صحیح نباشد، مکتب نابود و امّت گمراه می شود. «فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ»

۵- امامت و حکومت، رکن اصلی اسلام است. «وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ»

۶- انکار ولایت، نوعی کفر است. «إِنَّ اللَّهَ لا یهْدِی الْقَوْمَ الْکافِرِینَ»

۷- عنصر زمان و مکان، دو اصل مهم در تبلیغ است. (با توجّه به این که این آیه در هجـدهم ذی الحجّه و در محل جـدا شدن کاروان های حج نازل شد)

ص:۱۶

## ۲- اکمال دین و اتمام نعمت

(... الْیوْمَ یئِسَ الَّذِینَ کَفرُوا مِنْ دِینِکُمْ فَلا تَخْشَوْهُمْ وَ اخْشَوْنِ الْیوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَیکُمْ نِعْمَتِی وَ رَضِیتُ لَکُمُ الْإِسْلامَ دِیناً فَمَنِ اضْطُرَّ فِی مَخْمَصَهٍ غَیرَ مُتَجانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللهَ غَفُورٌ رَحِیمٌ) «مائده، ۳»

.... امروز، (روز هجده ذی الحجّه سال دهم هجری) کافران از (زوال) دین شما مأیوس شدند، پس، از آنان نترسید و از من بترسید. امروز دینتان را برای شما کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان «دین» برایتان برگزیدم. پس هرکه در گرسنگی گرفتار شود، بی آنکه میل به گناه داشته باشد، (می تواند از خوردنی های تحریم شده بهره ببرد.) همانا خداوند، بخشنده ی مهربان است.

طبق روایات شیعه و سنّی، این قسمت از آیه ۳: «الْیوْمَ أَکْمَلْتُ ...» پس از نصب علیّ بن ابی طالب علیه السلام به امامت در غدیرخم نازل شده است.

غیر از دلائل نقلی، تحلیل عقلی نیز همین را می رساند، چون چهار ویژگی مهم برای آن روز بیان شده است: ۱. روز یأس کافران، ۲. روز اکمال دین، ۳. روز اتمام نعمت الهی بر مردم، ۴. روزی که اسلام به عنوان «دین» و یک مذهب کامل، مورد پسند خدا قرار گرفته است. حال اگر وقایع روزهای تاریخ اسلام را بررسی کنیم، هیچ روز مهمی مانند: بعثت، هجرت، فتح مکّه، پیروزی در جنگ ها و ... با همه ی ارزشهایی که داشته اند، شامل این چهار صفت مهم مطرح شده در این

آیه نیستند؛ حتّی «حجّهالوداع» هم به این اهمیت نیست؛ چون حج، جزئی از دین است، نه همه ی دین.

امّیا بعثت، اوّلین روز شروع رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم است که هرگز نمی توان گفت روز اوّل بعثت، دین کامل شده است.

امّا هجرت، روز هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به فرمان خداست، روز حمله ی کفّار به خانه پیامبر است، نه روز یأس آنان.

امّا روزهای پیروزی در جنگ بدر و خندق و ... تنها کفّاری که در صحنه ی نبرد بودند، مأیوس می شدند، نه همه ی کفار، در حالی که قرآن می فرماید: الْیوْمَ یئِسَ الَّذِینَ کَفَرُوا ... همه کفّار مأیوس شدند.

امّیا حجّهالوداع که مردم آداب حج را در محضر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آموختند، تنها حج مردم با آموزش پیامبر کامل شد، نه همه ی دین در حالی که قرآن می فرماید: «الْیوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ»

امّا غدیر روزی که خداوند فرمان نصب حضرت علی را به جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم صادر کرد، تنها آن روز است که چهار عنوان ذکر شده در آیه «أَکْمَلْتُ، أَتْمَمْتُ، رَضِیتُ، یئِسَ الَّذِینَ کَفَرُوا» با آن منطبق است:

* امّیا یأس کفّار، به خاطر آن بود که وقتی تهمت وجنگ وسوءقصد بر ضد پیامبر، نافرجام ماند، تنها امید آنها مرگ پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بود. نصب علیّ بن ابی طالب علیه السلام به همه فهماند که اگر آن حضرت پسری می داشت، بهتر از علی نبود وبا مرگ او دین او محو نمی شود؛ زیرا شخصی چون علیّ بن ابی طالب علیه السلام جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و رهبر امّت اسلام خواهد بود. اینجا بود که همه ی کفّار مأیوس شدند.

ص:۱۸

* امّا اکمال دین، به خاطر آن است که اگر مقرّرات وقوانین کامل وضع شود، لیکن برای امّت و جامعه، رهبری معصوم وکامل تعیین نشود، مقرّرات ناقص می ماند.

* امّا اتمام نعمت، به خاطر آن است که قرآن بزرگ ترین نعمت را نعمت رهبری وهدایت معرّفی کرده است، اگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم از دنیا برود ومردم را بی سرپرست بگذارد، کاری کرده که یک چوپان نسبت به گله نمی کند. چگونه بدون تعیین رهبری الهی نعمت تمام می شود.

* امّا رضایت خداوند، برای آن است که هرگاه قانون کامل ومجری عادل بهم گره بخورد، رضایت پروردگار حاصل می شود.

اگر هر یک از اکمال دین، اتمام نعمت، رضایت حقّ و یأس کفّار به تنهایی در روزی اتفاق افتد، کافی است که آن روز از «ایام اللّه» باشد. تا چه رسد به روزی مثل غدیر، که همه ی این ویژگی ها را یک جا دارد. به همین دلیل در روایات اهل بیت علیهم السلام عید غدیر از بزرگ ترین اعیاد به شمار آمده است.

آثار اشیا، گاهی مترتّب بر جمع بودن همه اجزای آن است، مثل روزه که اگر یک لحظه هم پیش از اذان، افطار کنیم، باطل می شود، از این جهت کلمه «تمام» به کار رفته است: «أَتِمُّوا الصِّیامَ إِلَی اللَّیلِ» و گاهی به گونه ای است که هر جزء، اثر خود را دارد، مثل تلاوت آیات قرآن که هر قدر هم خوانده شود ثواب دارد. گاهی بعضی اجزا به گونه ای است که اگر نباشد، مجموعه ناقص است، هر چند اجزای دیگر هم باشد، مثل خلبان و راننده که هواپیما وماشین بدون آنها بی ثمر و بی فایده است. رهبری و ولایتِ حقّ هم چنین است، چون انسان را با خدا گره می زند و بدون آن، آفریده ها و نعمت ها به نقمت تبدیل می شود وانسان را به خدا نمی رساند.

ص:۱۹

امام باقر علیه السلام فرمودند: "ولایت، آخرین فریضه الهی است سپس آیه ی «الْیوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ» را تلاوت فرمودند".(۱)

در آیه ۱۰۹ سوره بقره، تمایل کفّار نسبت به انحراف مسلمانان مطرح شد که خداوند فرمان داد: شما اغماض کنید تا امر الهی برسد. پس از آن مسلمانان منتظر حکم قاطعی بودند که کفّار را مأیوس سازد، تا این که این آیه نازل شد.

آری مهم ترین روزنه ی امید کفّار، مرگ پیامبر بود که با تعیین حضرت علی علیه السلام به رهبری، آن روزنه بسته شد. «الْیوْمَ یئِسَ ...»

این آیه بیانگر نکاتی است از جمله:

۱- دین بدون رهبر معصوم، کامل نیست. «أَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ»

۲- قوام مکتب به رهبری معصوم است و تنها با وجود آن، کفّار مأیوس می شوند، نه با چیز دیگر. «الیوْمَ یئِسَ الَّذِینَ کَفَرُوا ... الْیوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ» البته اگر دشمن خارجی هم شما را رها کند، دشمن داخلی وجود دارد که باید با خشیت از خدا به مقابله با او رفت. «فَلا تَخْشَوْهُمْ وَ اخْشَوْنِ»

۳- همه ی نعمت ها بدون رهبری الهی ناقص است. الْیوْمَ ... أَتْمَمْتُ عَلَیکُمْ نِعْمَتِی

۴- نصب علی علیه السلام به امامت، اتمام نعمت است، «أَتْمَمْتُ عَلَیکُمْ نِعْمَتِی» و رها کردن ولایت او کفران نعمت و ناسپاسی نعمت و عواقب بدی دارد. (۲) «فَکَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذاقَهَا اللَّهُ لِباسَ الْجُوعِ وَ الْخَوْفِ بِما کانُوا یصْنَعُونَ»

۵- اسلام بی رهبر معصوم، مورد رضای خدا نیست. «الیوْمَ ... رَضِیتُ لَکُمُ الْإِسْلامَ»



---

۱- . کافی، ج ۱، ص ۲۸۹.

۲- . نحل، ۱۱۲.

## ۳- محبوب خدا

(یـا أَیهَا الَّذِیـنَ آمَنُـوا مَـنْ یرْتَـدَّ مِنْکُمْ عَنْ دِینِهِ فَسَـوْفَ یـأْتِی اللهُ بِقَـوْمٍ یحِبُّهُمْ وَ یحِبُّونَهُ أَذِلَّهٍ عَلَی الْمُـؤْمِنِینَ أَعِزَّهٍ عَلَی الْکـافِرِینَ یجاهِدُونَ فِی سَبِیلِ اللهِ وَ لا یخافُونَ لَوْمَهَ لائِمٍ ذلِکَ فَضْلُ اللهِ یؤْتِیهِ مَنْ یشاءُ وَ اللهُ واسِعٌ عَلِیمٌ) «مائده ،۵۴»

ای کسانی که ایمان آورده ایـد! هر کس از شـما که از دین خود برگردد (به خـدا ضـرری نمی زنـد، چون) خداونـد در آینده قومی را خواهـد آورد که آنـان را دوست دارد و آنان نیز خـدا را دوست دارنـد. آنان نسـبت به مؤمنان نرم و فروتن و در برابر کافران سرسـخت و قاطعنـد، در راه خدا جهاد می کنند و از ملامت هیچ ملامت کننده ای نمی هراسـند. این فضل خداست که به هر که بخواهد (وشایسته ببیند) می دهد و خداوند وسعت بخش بسیار داناست.

در روایت است: «چون این آیه نـازل شـد، پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله وسـلم دست به شانه ی سـلمان فارسـی زد و فرمود: هموطنان تو مصداق این آیه اند».(۱)

امام باقر علیه السلام درباره ی «یحِبُّهُمْ وَ یحِبُّونَهُ» فرمود: «مراد علیّ علیه السلام و شیعیان اویند».(۲)



---

۱- . تفسیر نورالثقلین.

۲- . تفسیر فرات کوفی، ص ۱۲۳.

در روایات شیعه و سنّی آمده است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در جنگ خیبر، پس از ناکامی فرماندهان در فتح قلعه های دشمن فرمود:

«به خدا سوگند فردا پرچم را به دست کسی می دهم که خدا و رسولش او را دوست دارند، او هم، خدا و رسول را دوست دارد و پیروزی را به ارمغان می آورد».

آنگاه پرچم را به دست علی علیه السلام داد.(۱)



---

۱- . احقاق الحق، ج ۳، ص ۲۰۰.

## ۴- ولایت برمؤمنان

(إِنَّما وَلِیکُمُ اللهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِینَ آمَنُوا الَّذِینَ یقِیمُونَ الصَّلاهَ وَ یؤْتُونَ الزَّکاهَ وَ هُمْ راکِعُونَ) «مائده، ۵۵»

ولیّ و سرپرست شما، تنها خداوند و پیامبرش و مؤمنانی هستند که نماز را برپا می دارند و در حال رکوع، زکات می دهند.

در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم سائلی وارد مسجد شد و از مردم درخواست کمک کرد، اما کسی چیزی به او نداد. حضرت علی علیه السلام در حالی که به نماز مشغول بود، در حال رکوع، انگشتر خود را به سائل بخشید. در تکریم این بخشش، این آیه نازل شد.

ماجرای فوق را ده نفر از اصحاب پیامبر مانند: ابن عباس، عمّار یاسر، جابربن عبداللّه، ابوذر، انس بن مالک، بلال و ... نقل کرده اند و شیعه و سنّی در این شأن نزول، توافق دارند. (۱) عمّار یاسر می گوید: پس از انفاق انگشتر در نماز و نزول آیه بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «مَن کنتُ مولاه فعلیّ مولاه».(۲)

امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند به پیامبرش دستور داد که ولایت علی علیه السلام را مطرح کند و این آیه را نازل کرد.(۳)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در غدیرخم، برای بیان مقام حضرت علی علیه السلام این آیه را تلاوت فرمود.(۴)

ص:۲۳

---

۱- . الغدیر، ج ۲، ص ۵۲، احقاق الحقّ، ج ۲، ص ۴۰۰ و کنزالعمّال، ج ۶، ص ۳۹۱.

۲- . تفسیر المیزان.

۳- . تفسیر نورالثقلین وکافی، ج ۱، ص ۲۸۱.

۴- . تفسیر صافی.

و خود حضرت علی علیه السلام نیز برای حقّانیت خویش، بارها این آیه را می خواندند. (۱)

ابوذر که خود شاهد ماجرا بوده است، در مسجد الحرام برای مردم داستان فوق را نقل می کرد. (۲)

کلمه ی «ولی» در این آیه، به معنـای دوست و یـاور نیست، چون دوستی و یاری مربوط به همه مسـلمانان است، نه آنان که در حال رکوع انفاق می کنند.

امام صادق علیه السـلام فرمودنـد: منظور از «الَّذِينَ آمَنُوا ...»، علی علیه السـلام و اولاد او: تا روز قیامت هسـتند. پس هرکس از اولاد او با این ویژگی به جایگاه امامت رسید مثل اوست، آنان در حال رکوع صدقه می دهند. (۳)

* بهترین معرّفی آن است که اوصاف وخصوصـیات کسـی گفته شود ومخاطبان، خودشان مصداق آن را پیدا کنند. (آیه بدون نام بردن از علی علیه السلام ، اوصاف وافعال او را برشمرده است)

* امـام صـادق علیه السـلام فرمـود: «علی علیه السـلام هزاران شاهـد در غـدیر خم داشت، ولی نتـوانست حقّ خود را بگیرد، در حالی که اگر یک مسلمان دو شاهد داشته باشد، حقّ خود را می گیرد!» (۴)

* ولاـیت فقیه در راسـتای ولاـیت امـام معصوم است. در مقبوله ی عمربن حنظله ازامـام صادق علیه السـلام می خوانیم: «به آن کس که حدیث ما را روایت کند و در حلال

ص:۲۴

---

۱- . تفسیر المیزان.

۲- . تفسیر مجمع البیان.

۳- . کافی، ج ۱، ص ۲۸۸.

۴- . تفسیر نورالثقلین.

وحرام ما نظر کند و احکام ما را بشناسد، بنگرید. پس به حکومت او راضی باشید که من او را بر شما حاکم قرار دادم. «فانّی قد جعلته علیکم حاکماً .... .». (۱)

* از این که در آیه به جای «اولیائکم»، «ولیکم» آمده، ممکن است استفاده شود که روح ولایت پیامبر و علی۸، شعاع ولایت الهی است. «وَلِیکُمُ» و کسانی که اهل نماز و زکات نیستند و نسبت به فقرا بی تفاوت هستند ، حقّ ولایت بر مردم را ندارند. إِنَّما وَلِیکُمُ اللَّهُ ... ( «إِنَّما»،

نشانه ی انحصار ولایت در افراد خاصّ است) و هرگونه ولایت، حکومت و سرپرستیی که از طریق خدا و رسول و امام نباشد، باطل است. إِنَّما وَلِیکُمُ اللَّهُ ... (کلمه «إِنَّما» علامت حصر است)

* ولایت ها در طول یکدیگرند، نه در عرض یکدیگر. ولایت بر مسلمانان، ابتدا از آنِ خداوند است، سپس پیامبر، آنگاه امام. «إِنَّما وَلِیکُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِینَ آمَنُوا...»

ص:۲۵

---

۱- . کافی، ج ۱، ص ۶۷.

### ۵- عذاب منکر غدیر

(سَأَلَ سائِلٌ بِعَذابٍ واقِعٍ * لِلْکافِرینَ لَیسَ لَهُ دافِعٌ * مِنَ اللهِ ذِی الْمَعارِجِ ) «معارج، ۱ - ۳»

سائلی، عذابی واقع شدنی را درخواست کرد. که برای کافران است و هیچ بازدارنده ای ندارد. و از سوی خداوندِ صاحب درجاتِ والاست.

مرحوم علامه امینی (ره) در کتاب شریف الغدیر(۱) نام سی نفر از بزرگان مفسّران و محدّثان، از قرن سوم هجری تا قرن چهاردهم را نقل کرده که گفته اند: شأن نزول آیه «سَأَلَ سائِلٌ» مربوط به شخصی می باشد که به پیغمبر گفت: نصب امیرالمؤمنین به خلافت در روز غدیر از طرف خودت بود یا از طرف خدا؟! ما را به حج و روزه و زکات فرمان دادی و ما قبول کردیم، امّا راضی نشدی، تا آن که پسر عموی خودت را بر ما حاکم کردی! سپس گفت: «اللّهُمَّ إِنْ کانَ هذا هُوَ الْحَقَّ مِنْ عِنْدِکَ فَأَمْطِرْ عَلَینا حِجارَةً مِنَ السَّماءِ»(۲) خدایا اگر این امر حق است از آسمان سنگی بباران (تا نابود شویم و شاهد چنین روزی نباشیم). سنگی فرود آمد و او نابود شد و این آیه نازل شد. «سَأَلَ سائِلٌ بِعَذابٍ واقِعٍ»

آری، یادآوری برخی حوادث جزئی و فردی، برای عبرت دیگران لازم است و باید حفظ شود. سؤال کننده یک نفر بود که قهر خدا او را نابود کرد، ولی این ماجرا در متن قرآن مطرح می شود تا تمام انسان ها در طول تاریخ بخوانند و درس بگیرند که تقاضای نابجا، مغرضانه و لجوجانه می تواند حادثه آفرین باشد.



---

۱- . الغدیر، ج ۱، ص ۲۳۹ - ۲۴۶.

۲- . انفال، ۳۲.

## ۶- عمل پیامبر بر اساس وحی

(ما ضَلَّ صاحِبُکُمْ وَ ما غَوی * وَ ما یَنْطِقُ عَنِ الْهَوی * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْیٌ یوحی) «نجم، ۲-۳»

همانا یار و مصاحب شما (محمّد صلی الله علیه و آله وسلم )، نه گمراه شده و نه منحرف گشته است. و نه از روی هوای نفس سخن می گوید. سخن او جز وحی که به او نازل می شود، نیست.

«هَوی» به معنای تمایل به سقوط است و هوای نفس، همان خواسته هایی است که انسان را به سقوط می کشاند. «ضَلَّ» به معنای انحراف از مسیر مستقیم است و «غَوی» به انحراف اعتقادی گفته می شود که از عقیده باطل برخاسته باشد. «صاحب» به معنای دوست و یاور است. این واژه در قرآن، چندین بار در باره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم آمده است،(۱)

زیرا برخورد پیامبر با مردم، صمیمی، دلسوزانه و دوستانه بود.

* خداوند در معرّفی قرآن فرمود: «ذلِکَ الْکِتابُ لا رَیبَ فِیهِ»(۲) و در معرّفی پیامبر فرمود: «ما یَنْطِقُ عَنِ الْهَوی»، تا حجّت بر مردم تمام شده و جای هیچ گونه تردید باقی نماند.

* قرآن، خطاب به منحرفان می فرماید: شما مدّت زیادی همنشین و مصاحب پیامبر بودید و خوب می دانید که او انحراف ندارد. «ما ضَلَّ صاحِبُکُمْ وَ ما غَوی»

* امتیاز رهبران الهی از رهبران بشری در چند چیز است:

۱. سابقه ی انحراف فکری ندارند. «ما ضَلَّ»

۲. سابقه ی گناه و فسق در عمل ندارند. «ما غَوی»



---

۱- . سبأ، ۴۶ ؛ اعراف، ۱۸۴ و تکویر، ۲۲.

۲- . بقره، ۲.

۳. دلسوز و مردمی هستند. «صاحِبُکَمْ»

۴. مغلوب هوسهای خود و دیگران نیستند. «ما ینْطِقُ عَنِ الْهَوی»

مرحوم صدوق در امالی، در مورد این که رضایت همه مردم کسب نمی شود و زبان مردم قابل کنترل نیست، می فرماید: بعضی از مردم حتّی به رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نسبت هوی و هوس می دادند و خداوند از حضرت دفاع کرد و فرمود: «وَ ما ینْطِقُ عَنِ الْهَوی»(۱)

* در حدیث می خوانیم که حمزه عموی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم از آن حضرت پرسید: چرا تمام درهایی که به مسجد باز بود مسدود کردی جز درِ خانه علی علیه السلام را؟ حضرت آیات اول سوره نجم را تلاوت فرمود: «إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْی یوحی»، یعنی من بر اساس فرمان الهی چنین کردم. (۲) همچنین هنگامی که حضرت علی علیه السلام در غدیرخم به امامت و وصایت تعیین شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم مورد انتقاد قرار گرفت، ولی حضرت این آیه را تلاوت فرمود: «إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْی یوحی»(۳)



---

۱- . تفسیر کنز الدقائق.

۲- . تفسیر درّ المنثور.

۳- . تفسیر نورالثقلین.

## ۷- ضرورت مودّت اهلبیت

(ذلِکَ الَّذِی یبَشِّرُ اللهُ عِبادَهُ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی وَ مَنْ یقْتَرِفْ حَسَنَهً نَزِدْ لَهُ فِیها حُسْناً إِنَّ اللهَ غَفُورٌ شَکُورٌ) «شوری، ۲۳»

این (فضل بزرگ) چیزی است که خداوند به بندگانش، آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند بشارت می دهد. (ای پیامبر! به مردم) بگو: من از شما بر این (رسالت خود) هیچ مزدی جز مودّت نزدیکانم را نمی خواهم و هرکس

کار نیکی انجام دهد، برای او در نیکویی آن می افزاییم. همانا خداوند بسیار آمرزنده و قدردان است.

این آیه مودّت اهل بیت علیهم السلام را مصداق روشن ایمان و عمل صالح، برجسته ترین حسنه و سبب دریافت الطاف بیشتر و جلب مغفرت الهی می‌داند.

با نگاهی به قرآن می بینیم که شعار تمام انبیا این بود که ما جز از پروردگارمان پاداشی نمی خواهیم. در سوره شعراء از آیه ۱۰۹ تا آیه ۱۲۷، سخن حضرت نوح، هود، صالح، لوط و شعیب علیهم السلام و در سوره سبأ آیه ۴۷، سخن پیامبر اسلام چنین است: مزد و پاداش من تنها بر خداوند است. «إِنْ أَجْرِیَ إِلَّا عَلَی اللَّهِ» البتّه شکی نیست که مراد انبیا این بود که ما پاداش مادی نمی خواهیم، ولی اطاعت کردن و هدایت شدن شما را می خواهیم، زیرا همه آنان پس از آنکه در سوره شعراء درخواست مزد را منتفی دانستند، به مردم سفارش تقوا و اطاعت از خداوند می کردند. «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُونِ» پس انبیا پاداش مادی نمی خواهند، ولی مزد

معنوی و هـدایت مردم را خواهاننـد که این مزد در واقع به نفع خود مردم است، نظیر اینکه اسـتادی به شاگردش بگوید: من از تو مزدی نمی خواهم و پـاداش من تنهـا یـک چیز است و آن اینکه تو درس بخوانی که در واقع این پاداش برای شاگرد است. پیامبر اسلام نیز از مردم درخواست مزد مادی نداشت، ولی چندین مرتبه از طرف خداوند با کلمه «قُلْ» مأمور شد تا مزد معنوی را که به نفع خود مردم است، از مردم تقاضا کند. «قُلْ ما سَأَلْتُکُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَکُمْ»(۱)

این مزد معنوی نیز در دو تعبیر آمـده است. یک بار می فرماید: من هیچ مزدی نمی خواهم جز آنکه هر که خواست راه خدا را انتخاب کند، «إِلَّا مَنْ شاءَ أَنْ یتَّخِذَ إِلی رَبِّهِ سَبِیلًا»(۲) و یک بار در آیه

مورد بحث که می فرمایـد: «لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی» بنابراین مزد رسالت دو چیز است: یکی انتخاب راه خدا و دیگری مودّت قربی. جـالب آنکه در هر دو تعـبیر کلمه «إِلَّا» مطرح شـده است، یعنی مزد من تنهـا همین مورد است. بـا کمی تأمـل می فهمیم که بایـد راه خـدا و مودّت اهل بیت یکی باشـد، زیرا اگر دو تا باشـد، تناقض است، یعنی نمی توان گفت: من فقط تابستان ها مطالعه می کنم و بار دیگر گفت: من فقط زمستان ها مطالعه می کنم. زیرا محصور باید یک چیز باشد.

پیـامبر اسـلام از طرف خداونـد یک بار مأمور می شود که به مردم بگویـد: مزد من تنها انتخاب راه خـداست و بار دیگر مأمور می شود که بگوید: مزد من فقط مودّت



---

۱- . سبأ، ۴۷.

۲- . فرقان، ۵۷.

قربی است. در واقع باید این دو درخواست یکی باشد. یعنی راه خدا همان مودّت قربی باشد.

از طرفی مودّت با دو چیز ملازم است: یکی شناخت و معرفت، زیرا تا انسان کسی را نشناسد نمی تواند به او عشق بورزد. دوم اطاعت، زیرا مودّت بدون اطاعت نوعی تظاهر و ریاکاری و دروغ و تملّق است. پس کسانی که دستورات خود را از غیر اهل بیت پیامبر: می گیرند، راه خدا را پیش نگرفته اند. این از دیدگاه قرآن.

امّا از نظر عقل: پاداش باید همسنگ و هموزن عمل باشد. رسالت، جز امامت که ادامه آن است هم وزنی ندارد، مزد رسالت ادامه هدایت است، مزد یک معصوم، سپردن کار به معصوم دیگر است. مزد عادل آن است که زحمات او را به عادل دیگر بسپاریم.

عقل می گوید: تا لطف هست باید تشکّر نیز باشد و اگر امروز لطف پیامبر شامل حال ما شده و ما به اسلام هدایت شده ایم باید مزد رسالتش را بپردازیم و اگر مزد رسالت، مودّت قربی است، امروز هم باید قُربایی باشد تا نسبت به او مودّت و اطاعت داشته باشیم. آری، امروز هم باید نسبت به حضرت مهدی علیه السلام مودّت داشته و مطیع او باشیم.

مگر می شود بگوییم مسلمانان صدر اسلام مأمور بودند مزد رسالت را بپردازند و نسبت به قربی مودّت داشته باشند، ولی مسلمانان امروز یا این وظیفه را ندارند و یا قربایی نیست تا به او مودّت بورزند و مزد رسالت را بپردازند.

البتّه مودّت حضرت مهدی علیه السلام در زمان غیبت، عمل به پیام های او و رفتن در راه کسانی است که ما را به آنان سپرده است، یعنی فقهای عادل و بی هوا و هوس.

ص:۳۱

عقل انسان از اینکه مودّت قربی پاداش پیامبری قرار گرفته که صدها میلیون نفر را به هدایت و سعادت و فضل کبیر الهی رسانده می فهمد که قربی و کسانی که مورد مودّت هستند، برترین افراد بشر و معصومند. زیرا هرگز مودّت گنهکار پاداش پیامبر معصوم قرار نمی گیرد. نمی توان باور کرد که مودّت افرادی گنهکار بر مسلمانان جهان در طول تاریخ واجب باشد.

و هیچ فرقه ای از مسلمانان (غیر از شیعه) رهبران خود را معصوم نمی داند و هیچ فرد یا گروهی تا کنون نه برای امامان معصوم گناهی نقل کرده و نه برای آن بزرگواران استادی نام برده است.

عقل می گوید: گذاشتن دست بشر در دست غیر معصوم نه تنها ظلم به انسانیت است، بلکه ظلم به تمام هستی است. زیرا هستی برای انسان آفریده شده (تمام آیات «خَلَقَ لَکُمْ»، «سَخَّرَ لَکُمُ» و «مَتاعاً لَکُمْ» نشانه ی آن است که هستی برای انسان است) و انسان برای تکامل واقعی و معنوی و خدایی شدن. آیا سپردن این انسان با آن اهداف والا به رهبران غیر معصوم، ظلم به او و ظلم به هستی نیست؟

اگر در روایات، رهبر معصوم و ولایت او زیر بنا و پایه و اساس دین شناخته شده است: «بُنِیَ الاسلامُ علی خَمس ... الولایه»(۱)

و اگر حضرت علی علیه السلام تقسیم کننده مردم میان بهشت و دوزخ معرّفی شده است: «قَسیمُ الجَنّه و النّار»(۲)

و اگر نماز بی ولایت پذیرفته نمی شود،(۳)



---

۱- . کافی، ج ۲، ص ۱۸.
۲- . بحار، ج ۷، ص ۱۸۶.
۳- . بحار، ج ۲۷، ص ۱۶۷.

و اگر مودّت اهل بیت حسنه است،(۱) و اگر زیارت و توسّل به آنان سفارش شده، همه به خاطر همان جوهر کیمیایی مودّت است.

زمخشری و فخررازی که از بزرگان اهل سنّت هستند، در تفاسیر خود آورده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

«مَن ماتَ علی حُبّ آلِ مُحمّدٍ ماتَ شَهیداً»، هر که با دوستی آل محمّد از دنیا برود، شهید است.

«مَن ماتَ علَی حُبّ آلِ مُحمّدٍ ماتَ تائباً»، هر که با دوستی آل محمّد از دنیا برود، توبه کننده است.

«مَن ماتَ علَی حُبّ آلِ مُحمّدٍ ماتَ مُستَکملُ الایمان»، هر که با دوستی آل محمّد از دنیا برود، با ایمان کامل از دنیا رفته است.

«مَن ماتَ علَی حُبّ آلِ مُحمّدٍ ماتَ علَی السُنّهِ وَ الجَماعَه»، هر که با دوستی آل محمّد از دنیا برود، طبق سنّت و سیره پیامبر از دنیا رفته است.

حال این سؤال پیش می آید که آیا مودّت بدون اطاعت، می تواند هم وزنِ شهادت، مغفرت و ایمان کامل قرار گیرد؟

در همین تفاسیر ذیل این آیه حدیثی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم آمده است که:

«ألا و مَن ماتَ علَی بُغضِ آلِ مُحمّدٍ جاءَ یَومَ القِیامَهِ مَکتوبٌ بَین عَینَیهِ آیِسٌ مِن رَحمَهِ الله»، آگاه باشید، هرکه با کینه و بغض آل محمّد بمیرد، روز قیامت می آید در حالی که میان دو چشم او نوشته شده: او از رحمت خدا مأیوس و محروم است.



---

۱- . بحار، ج ۴۳، ص ۳۶۲.

«ألا و مَن ماتَ علَى بُغضِ آلِ مُحمّدٍ ماتَ کافراً»، هر که با بغض آل محمّد بمیرد، کافر مرده است.

«ألا و مَن ماتَ علَی بُغضِ آلِ مُحمّدٍ لَم یَشُمّ رائحَهَ الجَنّه»، هر که با بغض آل محمّد بمیرد، بوی بهشت را استشمام نمی کند.

اگر هدیه یک شاخه گل تشکّر و پاداش لازم دارد، نجات بشریت چه پاداشی خواهد داشت.

فخر رازی در تفسیر خود آورده است: همین که آیه مودّت نازل شد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم پرسیدند: قربی چه کسانی هستند که مودّت آنها بر ما واجب است؟ حضرت فرمودند: علیّ و فاطمه و فرزندانش، سپس اضافه می کند که حضرت فرمودند: «فاطمهُ بَضعهٌ مِنّی یُؤذینی ما یُؤذیها»، فاطمه پاره تن من است هر کس او را اذیت کند مرا اذیت کرده و کیفر کسانی که رسول خدا را اذیت کنند، در قرآن چنین آمده است. «إِنَّ الَّذِینَ یؤْذُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ وَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذاباً مُهِیناً»(۱)

در حدیث می خوانیم که امام حسن علیه السلام در ذیل جمله ی «وَ مَنْ یقْتَرِفْ حَسَنَهً نَزِدْ لَهُ فِیها حُسْناً» فرمود: «اقتراف الحسنه مودّتنا اهل البیت»(۲) کسب نیکی، مودّت ما اهل بیت است.



---

۱- . احزاب، ۵۷.

۲- . تفاسیر نمونه و صافی.

### ۸- مصداق صراط مستقیم

(اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِیمَ)

خداوندا ما را به راه راست هدایت فرما.

"صراط" راه مستقیم است، بنا بر این مستقیم بودن در مفهوم صراط آمده، و ذکر آن به صورت توصیف، برای تاکید هر چه بیشتر است.

در روایات صراط مستقیم به اسلام، قرآن، پیامبر و امامان راستین تعبیر شده است. چنانکه امامان معصوم: می فرمودند: راه مستقیم، ما هستیم.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِیمَ» فرمود: «الطریق و معرفه الامام»، منظور راه و شناخت امام است.

و نیز در حدیث دیگری از همان امام نقل شده: صراط مستقیم، امیر مؤمنان علی علیه السلام است. (۱)

یعنی نمونه ی عینی و عملی راه مستقیم و اسوه و الگو برای قدم برداشتن در راه مستقیم، رهبران آسمانی هستند.

جالب آنکه ابلیس در همین صراطِ مستقیم به کمین می نشیند. چنانکه شیطان به خدا گفت: «لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِراطَكَ الْمُسْتَقِيمَ»(۲) شاید به همین خاطر است که بر هر مسلمانی واجب است سوره حمد را در نماز خوانده و هدایت به را مستقیم را از خدا بخواهد. «اهدنا الصراط المستقیم»

ص:۳۵

---

۱- . تفسیر نمونه و تفسیر نورالثقلین، ج ۱ ص ۲۰ و ۲۱.

۲- . اعراف، ۱۶.

این آیه، بهترین نمونه استعانت از خدا را درخواست راه مستقیم می‌داند و بیانگر آن است که گرچه همه ی هستی، در مسیری که خداوند اراده کرده در حرکتند، با این حال انسان از خدا می‌خواهد که بنده‌اش را در راهی که خودش دوست دارد قرار دهد. «اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِيمَ»

در جای دیگر خداوند به پیامبر امر می کند که به مردم بگوید: «وَ أَنَّ هذا صِراطِي مُسْتَقِيماً فَاتَّبِعُوهُ وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»(۱) و (بگو:) این (دستورها) راه مستقیم من است. پس آن را پیروی کنید و راههای دیگر را پیروی نکنید که شما را از راه خداوند پراکنده کند. این سفارش خداوند به شماست، باشد که تقوا پیشه کنید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم برای توضیح این آیه از روش نمایشی استفاده کرده، با دست مبارک خود خط مستقیمی بر زمین کشیدند و فرمودند: این راه مستقیم است که یکی بیش نیست. سپس خطوطی از راست و چپ آن خط ترسیم کرده و فرمودند: اینها راههایی است که شیطان به آن دعوت می کند. (۲)



---

۱- . انعام، ۱۵۳.

۲- . تفسیر مراغی.

## ۹- پیشینه توسّل به اهلبیت

(فَتَلَقَّی آدَمُ مِنْ رَبِّهِ کَلِماتٍ فَتابَ عَلَیهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ)

«بقره، ۳۷»

پس آدم از سوی پروردگارش کلماتی دریافت کرد، (و با آنها توبه کرد،) پس خداوند لطف خود را بر او بازگرداند. همانا او توبه پذیر مهربان است.

چون آدم از غذایی که نباید بخورد، چشید و از آن همه نعمت و رفاه محروم شد، متوجّه اشتباه خود گردید. او در اثر پشیمانی و ندامت، کلماتی را از خداوند دریافت کرد و به وسیله ی آن کلمات، توبه نمود. طبق آنچه از روایات شیعه وسنّی استفاده می شود، مراد از کلماتی که آدم به وسیله ی آن توبه نمود، توسّل به بهترین خلق خدا یعنی حضرت محمّد و اهل بیت او علیه و علیهم السلام است. چنانکه در تفسیر درّالمنثور از ابن عباس نقل شده است که آدم برای پذیرش توبه اش، خداوند را به این نام ها قسم داد: «بحّق محمّد وعلیّ و فاطمه و الحسن و الحسین»

بنابراین اولین توبه در روی زمین، با راهکاری که خداوند به انسان آموخت و با توسّل به محمّد و آل محمّد پذیرفته شد.

ص:۳۷

## ۱۰- گستره والدین

(وَ إِذْ أَخَذْنا مِیثاقَ بَنِی إِسْرائِیلَ لا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللهَ وَ بِالْوالِدَینِ إِحْساناً....) «بقره، ۸۳»

و (به یاد آرید) زمانی که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم، جز خداوند یگانه را پرستش نکنید و به پدر و مادر احسان کنید...

احسان، جامع ترین و وسیع ترین واژه در باب نیکی است.

در زبان عربی، کلمه ی «أب» معنای وسیعی دارد و بر معلّم و مربّی و حتّی پدر زن نیز گفته می شود.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده است که فرمود: «أنا و علیّ ابوا هذه الامّه»؛(۱) من و علیّ پدران مکتبی و معنوی این امّت هستیم. چنان که حضرت ابراهیم، پدر عرب به حساب آمده است. (۲) «مِلَّهَ أَبِیکُمْ إِبْراهِیمَ»(۳)

ص:۳۸

---

۱- . بحار، ج ۱۶، ص ۹۵.

۲- . تفسیر نورالثقلین.

۳- . حج، ۷۸.

## ۱۱- جانفشانی شبانه

(وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ یشْرِی نَفْسَهُ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللهِ وَ اللهُ رَؤُفٌ بِالْعِبادِ) «بقره، ۲۰۷»

و از مردم کسی است که برای کسب خشنودی خدا، جان خود را می فروشد و خداوند نسبت به بندگان مهربان است.

مشرکانِ مکّه، قرار گذاشتند از هر قبیله ای یک نفر را برای کشتن پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم انتخاب کنند و آن حضرت را دسته جمعی از بین ببرند تا بنی هاشم به خونخواهی او قیام نکنند و با این عمل از دعوت پیامبر راحت شوند. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم از نقشه ی آنان با خبر شد و علی علیه السلام برای اینکه پیامبر به سلامت از مکّه خارج شود، در بستر ایشان خوابید و این آیه در شأن آن حضرت نازل گردید. (۱)

همین که علی علیه السلام در آن شب خطرناک به جای پیامبر خوابید، خداوند به دو فرشته ی خود، جبرئیل و میکائیل فرمود: کدام یک از شما حاضرید فدای دیگری شوید؟! هیچ کدام از آنها حاضر نشدند. خداوند فرمود: اینک مشاهده کنید که چگونه علی بن ابی طالب علیه السلام حاضر است جان خود را فدای رسول ما کند.



---

۱- . بسیاری از علمای اهل سنّت، به این فضیلت علی علیه السلام اقرار کرده اند که علّامه امینی «ره» در الغدیر (ج ۲، ص ۴۸) آنان را نام برده است، از جمله امام احمدحنبل، در مسند خود (ج ۱، ص ۳۴۸) می باشد. صاحب تفسیر اطیب البیان می نویسد: در کتاب غایهالمرام، بیست حدیث آمده که نُه حدیث از علمای اهل سنّت و یازده حدیث از علمای شیعه است و این آیه را درباره ی فداکاری حضرت علی علیه السلام دانسته اند. در تاریخ طبری، (ج ۲، ص ۳۷۳) نیز که از نوشته های قرن سوم است، ماجرای خوابیدن حضرت علی علیه السلام در بستر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده است. همچنان که تاریخ یعقوبی (ج ۲، ص ۳۹) موضوع را به صراحت بازگو می نماید. در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید (ج ۴، ص ۷۳) آمده است: معاویه چهار هزار درهم پول داد تا بگویند این آیه در شأن ابن ملجم نازل شده است!. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۹.

ابن ابی الحدید که از علمای قرن هفتم اهل سنّت است، در شرح نهج البلاغه خود آورده است: تمام مفسّران گفته اند این آیه درباره علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است که در لیلهالمبیت در بستر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم خوابید. و این موضوع در حدّی از تواتر است که جز کافر یا دیوانه آن را انکار نمی کند. (۱)

علم یک ارزش است، لکن گاهی ندانستن ارزش می شود. مثلا شبی که علی علیه السلام در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به جای آن حضرت خوابید و پیامبر خدا هجرت نمودند، ارزش این فداکاری بدان است که حضرت علی نداند که کشته می شود یا نه. و اگر بداند که او را نمی کشند، افراد عادّی نیز حاضرند چنین عملی را انجام بدهند.

در آیه ۳۰ سوره انفال به طرح ترور پیامبر اشاره شده است: «وَ إِذْ یمْکُرُ بِکَ الَّذِینَ کَفَرُوا لِیثْبِتُوکَ أَوْ یقْتُلُوکَ أَوْ یخْرِجُوکَ وَ یمْکُرُونَ وَ یمْکُرُ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَیرُ الْماکِرِینَ»، و (به یاد آور) زمانی که کافران درباره تو نقشه می کشیدند تا تو را زندانی کنند، یا تو را بکشند یا (از مکّه) تبعید کنند. و آنان نقشه می کشیدند و خدا هم (با خنثی کردن توطئه های آنان) تدبیر می کرد و خداوند، بهترین تدبیرکنندگان است.

«مکر»، به معنای تدبیر، چاره اندیشی، طرح و نقشه است. سه طرح و نقشه ای که برای مقابله ی کفّار با پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در آیه مطرح شده، محصول جلسه ی مشرکان در «دار النَدوه» بود و بالاخره نقشه ی قتل دسته جمعی را تصویب کردند تا بستگان آن حضرت نتوانند برای خونخواهی، با همه ی قبایل درگیر شوند.

ص:۴۰

---

۱- . شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۲۶۲.

## ۱۲– پایمردی در میدان جهاد

(الَّذِینَ اسْتَجابُوا لِلهِ وَ الرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ ما أَصابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِینَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَ اتَّقَوْا أَجْرٌ عَظِیمٌ) «آل عمران، ۱۷۲»

آنان که دعوت خدا و رسول را (برای شرکتِ دوباره در جهاد علیه کفّار) پذیرفتند، با آنکه جراحاتی به آنان رسیده بود، برای نیکوکاران و پرهیزکارانِ آنها، پاداش بزرگی است.

کفّار قریش، پس از پیروزی در احد به سوی مکّه بازگشتند. در بین راه به این فکر افتادند که چه بهتر است به مدینه بازگردیم و باقیمانده مسلمانان را نیز از بین ببریم، تا کار اسلام یکسره شود. این خبر به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم رسید. آن حضرت فرمان بسیج داد و فرمود: شرکت کنندگان در احد حرکت کنند. مسلمانان آماده و مؤمنان وفادار حتی با بدنی زخمی و مجروح به فرمان پیامبر لبیک گفته و آماده مبارزه شدند.

ابوسفیان وقتی از بسیج عمومی مسلمانان آگاه شد، گمان کرد که لشکر تازه نفسی مهیا شده است تا شیرینی پیروزی احد را بر کام آنان تلخ کند، لذا از حمله ی مجدّد منصرف شد و به سرعت به طرف مکّه باز گشت.

در تاریخ می خوانیم که در جنگ احد حضرت علی علیه السلام بیش از شصت زخم و جراحت برداشت، ولی لحظه ای دست از یاری پیامبر برنداشت.

در تفسیر کنزالدقائق آمده است که این آیه درباره ی حضرت علی علیه السلام و نه نفر دیگر در جنگ نازل شده است.

### ۱۳- انفاقی همه جانبه

(الَّذِينَ ينْفِقُونَ أَمْوالَهُمْ بِاللَّيلِ وَ النَّهارِ سِرًّا وَ عَلانِيةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لا خَوْفٌ عَلَيهِمْ وَ لا هُمْ يحْزَنُونَ) «بقره، ۲۷۴»

کسانی که اموال خود را در شب وروز، پنهان وآشکارا انفاق می کننـد، اجر وپاداش آنان نزد پروردگارشان است و نه ترسی برای آنهاست و نه غمگین می شوند.

در تفاسیر صافی، مجمع البیان، قرطبی و کبیر فخررازی آمده که این آیه در شأن حضرت علی علیه السلام نازل شده است. هنگامی که آن حضرت فقط چهار درهم ذخیره داشت، یک درهم را در روز، یک درهم را در شب، سومین آن را مخفیانه، و چهارمین درهم را آشکارا در راه خدا انفاق نمود.

البته وعـده ی این آیه، شامل همه کسانی می شود که اینگونه عمل کنند. چنین افرادی نه از فقر و تنگدستی بیم دارند، چون به وعـده های خداونـد ایمان داشته و به او توکّل می کنند و نه به خاطر انفاق، اندوهگین می شوند، چون به رضایت الهی و آثار اخروی انفاق توجّه دارند.

ایـن آیـه داشـتن روحیه ی انفـاق و سـخاوت را مهم می‌دانـد، نه یکی دو بـار انفـاق آنهم از روی ترحّم را. زیرا «ينْفِقُونَ» فعل مضارع است و بر استمرار دلالت دارد.

ص:۴۲

## ۱۴- جان پیامبر

(فَمَنْ حاجَّکَ فِیهِ مِنْ بَعْـدِ ما جاءَکَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ أَبْناءَنا وَ أَبْناءَکُمْ وَ نِساءَنا وَ نِساءَکُمْ وَ أَنْفُسَـنا وَ أَنْفُسَـکُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللهِ عَلَی الْکاذِبِینَ) «آل‌عمران، ۶۱»

پس هر که بـا تو، بعـد از علم و دانشـی که به تو رسـیده است، درباره او (عیسـی) به ستیز و محاجّه برخیزد (و از قبول حقّ شانه خالی کند) بگو: بیائید پسرانمان

وپسـرانتان وزنانمان وزنانتان وخودمان را (کسـی که به منزله خودمان است) وخودتان را بخوانیم، سپس (به درگاه خدا) مباهله و زاری کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

واژه ی «نَبتَهِـل» از ریشه ی «ابتهـال» به معنای بازکردن دست ها و آرنـج ها برای دعا به سوی آسـمان است. این آیه، به آیه ی مبـاهله معروف گشـته است. مباهله، یعنی توجّه و تضـرّع دو گروه مخالف یکـدیگر، به درگاه خـدا و تقاضای لعنت و هلاکت برای طرف مقابل که از نظر او اهل باطل است.

در تفاسـیر شیعه و سنی و برخی کتب حدیث و تاریخ می خوانیم که در سال دهم هجری، افرادی از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسـلم مأمور تبلیغ اسـلام در منطقه نجران شدند. مسـیحیانِ نجران نیز نمایندگانی را برای گفتگو با پیامبراسلام صلی الله علیه و آله وسلم به مدینه گسیل داشتند. با وجود گفتگوهایی که میان آنان و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم ردّ وبدل شد، بـاز هم آنان بهانه جویی کرده و در حقّانیت اسـلام ابراز تردیـد می کردنـد. این آیه نازل شـد و خطاب به پیامبر فرمود: به آنها بگو:

بیایید با فراخواندن فرزندان و زنان و عزیزانمان، خدا را بخوانیم و با حالت تضرّع و ابتهال بر دروغگویان نفرین کنیم و هر نفرینی که دامن گروه مقابل را گرفت، معلوم می شود که راه او باطل است و با این وسیله به این گفتگو و جدال پایان دهیم.

هنگامی که نمایندگان مسیحیان نجران، پیشنهاد مباهله را از رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم شنیدند، به یکدیگر نگاه کرده و متحیر ماندند. آنان مهلت خواستند تا در این باره فکر و اندیشه و مشورت کنند. بزرگِ نصاری به آنها گفت: شما پیشنهاد را بپذیرید و اگر دیدید که پیامبر با سر وصدا و جمعیتی انبوه برای نفرین می آید، نگران نباشید و بدانید که خبری نیست، ولی اگر با افراد معدودی به میدان آمد، از انجام مباهله صرف نظر و با او مصالحه کنید.

مباهله، در بیست و چهارم یا بیست و پنجم ماه ذی الحجّه و در بیرون شهر مدینه رخ داد که اکنون داخل شهر قرار دارد و در آن محل، مسجدی به نام «مسجد الاجابه» ساخته شده است. فاصله ی این مسجد تا مسجدالنّبی تقریباً حدود پانصد متر است.

روز مباهله، آنها دیدند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم همراه با دو کودک و یک جوان و یک زن بیرون آمدند. آن دو کودک، حسن و حسین علیهما السلام و آن جوان، علیّ بن ابی طالب علیه السلام و آن زن فاطمه ی زهرا علیها السلام- دختر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم - بودند.

اسقف مسیحیان گفت: من چهره هایی را می بینم که اگر از خداوند بخواهند کوه از جا کنده شود، کنده می شود. اگر این افراد نفرین کنند، یک نفر مسیحی روی زمین باقی نمی ماند. لذا از مباهله انصراف داده، حاضر به مصالحه شدند. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم

فرمودنـد: سوگنـد به کسـی که مرا پیـامبر حقّ قرار داد، اگر مباهله انجام می گرفت، آن وادی آتش را بر آنان فرو می ریخت. این ماجرا، علاوه بر تفاسیر شیعه، در منابع معتبر اهل سنّت نیز آمده است. (۱)

گرچه پیامبر می توانست خود شخصاً نفرین کند و کاری به علیّ، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام نداشته باشد، ولی خدا و رسول، بـا این عمل به ما فهماندنـد که این افراد، یاران و شـریکان رسول خـدا در دعوت به حقّ و هـدف او هسـتند و همراه او آماده ی استقبال از خطر بوده و تداوم گر حرکت او می باشند.

آری علیّ بن ابی طالب علیه السلام ، جان رسول اللّه صلی الله علیه و آله وسلم است. «أنفسنا»

ص:۴۵

---

۱- . صاحب تفسیر المیزان در جلد سوّم صفحه ۲۵۷ آورده است که ماجرای مباهله را ۵۱ نفر از صحابه به اتّفاق نظر نقل کرده اند. تفاسیر کبیر، آلوسی ومراغی ذیل آیه، در کتاب الکامل ابن اثیر جلد دوّم صحفه ۲۹۳، مستدرک حاکم جلد سوّم صفحه ۱۵۰، مسند احمد حنبل جلد اوّل صفحه ۱۸۵ و همچنین تفاسیر روح البیان، المنار و ابن کثیر و بسیاری از منابع شیعی و سنّی دیگر، این واقعه را ضبط و نقل کرده اند. در کتاب احقاق الحق جلد سوّم صفحه ۴۶ نیز نام شصت نفر از بزرگان اهل سنّت را آورده است که همگی گفته اند: این آیه در عظمت پیامبر و اهل بیت علیهم السلام اوست.

### ۱۵- مؤذن در اعراف

(وَ نادی أَصْحابُ الْجَنَّهِ أَصْحابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنا ما وَعَدَنا رَبُّنا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ ما وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قالُوا نَعَمْ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَهُ اللهِ عَلَى الظَّالِمِينَ) «اعراف، ۴۴»

و اهل بهشت، دوزخیان را صدا زنند که ما آنچه را پروردگارمان وعده داده بود، حقّ و راست یافتیم (و به آن رسیدیم)، آیا شما وعده های پروردگارتان را حقّ یافتید؟ گویند: آری. پس منادی میان آنان اعلام کند که لعنت خدا بر ستمکاران باد.

در این که مؤذّنِ قیامت چه کسی است اقوالی بیان شده، از جمله: خداوند، اسرافیل، جبرئیل، مأموران جهنّم و مأموران بهشت؛ امّا در روایات شیعه (۱) و برخی احادیث اهل سنّت (مانند روایات حاکم حَسکانی) می خوانیم که آن مؤذّن، حضرت علی علیه السلام است، همان گونه که سوره برائت را که شامل اعلام برائت از مشرکین در دنیا بود در مکّه خواند، قرائت قطعنامه های برائت و لعنت الهی نسبت به مشرکان، در آخرت نیز از زبان علی علیه السلام خواهد بود. (۲) همچنان که به بهشتیان نیز آن حضرت سلام خواهد داد.(۳)

در ادامه و ذیل آیه ۴۸ که می‌فرماید: «وَ نادی أَصْحابُ الْأَعْرافِ رِجالًا يعْرِفُونَهُمْ بِسِيماهُمْ قالُوا ما أَغْنی عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَ ما كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ»، "و اصحاب اعراف،



---

۱- . تفسیر نورالثقلین.

۲- . تفسیر نمونه.

۳- . تفسیر اثنی عشری.

(اولیای خدا که میان بهشت و جهنّم بر جایگاه بلندی مستقرّند) مردانی (از اهل دوزخ) را که به سیمایشان می شناسند، ندا می دهند و می گویند: جمعیت و جمع آوری شما (از مال، مقام، همسر و فرزند) و آنچه همواره بدان تکبّر می کردید، به حال شما سودی نداشت."

سلمان فارسی می گوید: بیش از ده مرتبه از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم شنیدم که فرمود:

«یا علیّ انّک و الاوصیاء مِن بَعدک اعراف بین الجنّه و النار»،(۱) یا علی! تو و امامان پس از تو، اصحاب اعراف میان بهشت و جهنّم هستید و هرکس به شما معرفت داشت وارد بهشت می شود و هرکس منکر ولایت شما باشد، وارد جهنّم می شود.(۲)



---

۱- . بحار، ج ۸، ص ۳۳۷.

۲- . تفسیر اثنی عشری.

## ۱۶- سفیر سوره برائت

(بَراءَهٌ مِنَ اللهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ) «توبه، ۱»

(این آیات اعلام جدائی و) بیزاری و برائتی است از سوی خدا و پیامبرش، نسبت به مشرکانی که با آنان پیمان بسته اید.

در سال هشتم هجری مکّه فتح شد، امّا مشرکان همچنان برای انجام مراسم عبادی خود که آمیخته با خرافات و انحرافات بود، به مکّه می آمدند. از جمله عاداتشان این بود؛ لباسی را که با آن طواف می کردند، صدقه می دادند. یک زن که می خواست طواف های بیشتری انجام دهد، چون دیگر لباسی نداشت، به اجبار کفّار برهنه طواف کرد و مردم به او نگاه می کردند. این وضع برای پیامبر و مسلمانان که در اوج قدرت بودند، غیر قابل تحمّل بود. پیامبر منتظر فرمان خدا بود تا آنکه این سوره در مدینه نازل شد. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به ابوبکر مأموریت داد تا آیاتی از آن را بر مردم مکّه بخواند. شاید انتخاب ابوبکر به دلیل آن بود که او پیرمرد بود و کسی نسبت به او حساسیت نداشت. امّا وقتی او به نزدیک مکّه رسید، جبرئیل از سوی خدا پیام آورد که تلاوت آیات را باید کسی از خاندان پیامبر انجام دهد. آن حضرت، علی علیه السلام را مأمور این کار کرد و فرمود: من از او هستم و او از من است. علی علیه السلام در وسط راه آیات را از ابوبکر گرفت و به مکّه رفت و بر مشرکان قرائت نمود.

برخی (۱) تلاش کرده اند که آن را امری عادّی جلوه دهند تا امتیازی برای حضرت علی علیه السلام به حساب نیاید و تحویل مأموریت تلاوت را به علی علیه السلام ، برای تألیف دلِ



---

۱- . مثل فخررازی و آلوسی در تفسیرهایشان.

او دانسته انـد. در حـالی که برای به دست آوردن دل کسـی، کـاری بی خطر به او محوّل می کننـد، نه تلاـوت آیاتِ برائت از مشرکان، آن هم در منطقه ی شرک و توسّط کسی که بسیاری از مشرکان را در جنگ ها کشته

است و عـدّه ای کینه ی او را در دل دارند! وقتی خداوند به حضـرت موسـی علیه السـلام فرمان داد که نزد فرعون رفته او را به توحیـد دعوت کند، وی گفت: خدایا من یک نفر از آنان را کشـته ام، می ترسم مرا به قصاص بکشـند، برادرم را به همراه من بفرست؛ ولی علی علیه السلام که تعداد زیادی از سران شرک را کشته بود، به تنهایی رفت و آیاتِ برائت را در نهایت آرامش خواند، آن هم در جای حسّاسی چون منی و کنار جمره ی عقبه.

نکاتی که توسّط علی علیه السلام به کفّار اعلام شد، عبارت بود از:

۱. اعلام برائت و لغو پیمان ها. (به دلیل پیمان شکنی مکرر آنان)

۲. ممنوعیت شرکت مشرکان در حج از سال آینده.

۳. ممنوعیت طواف در حالت برهنگی.

۴. ممنوعیت ورود مشرکان به خانه ی خدا.

ماجرای تلاوت آیات این سوره توسّط علی علیه السـلام ، در کتب اهل سـنّت نیز آمده و از اصـحاب، کسانی همچون ابوبکر و علی علیه السـلام ، ابن عبـاس، انس بن مالـک، جـابربن عبـداللّه انصاری آن را روایت کرده انـد و در منابع بسـیاری نقل شـده است.(۱)



---

۱- . مسند احمد حنبل، (ج ۳، ص ۲۱۲ و ۲۸۳؛ ج ۱، ص ۱۵۱ و ۳۳۰)، مستدرک صحیحین، (ج ۳، ص ۵۱)، تفسیر المنار، (ج ۱۰، ص ۱۵۷)، تفسیر طبری، (ج ۱۰، ص ۴۶)، تفسیر ابن کثیر (ج ۲، ص ۳۲۲- ۳۳۳)، احقاق الحق، (ج ۵، ص ۳۶۸) و فضائل الخمسه، (ج ۲، ص ۳۴۲). و در الغدیر، (ج ۶، ص ۳۳۸) نام ۷۳ نفر که این ماجرا را نقل کرده اند آمده است.

## ۱۷- اهمیت ایمان و جهاد

(أَ جَعَلْتُمْ سِقایَهَ الْحاجِّ وَ عِمارَهَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ کَمَنْ آمَنَ بِاللهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ وَ جاهَدَ فِی سَبِیلِ اللهِ لایَسْتَوُونَ عِنْدَاللهِ وَ اللهُ لا یَهْدِی الْقَوْمَ الظّالِمِینَ)«توبه،۱۹»

آیا آبرسانی به حاجیان و تعمیر مسجدالحرام را همانند کسی قرار داده اید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده است؟ این دو نزد خدا یکسان نیست و خدا گروه ستمگر را هدایت نمی کند.

در تاریخ می‌خوانیم که عباس، عموی پیامبر و شِیبه به یکدیگر افتخار می کردند؛ عباس به آبرسانیِ خود به زائران خانه ی خدا می بالید و شِیبه به کلیدداری کعبه. در این هنگام علی علیه السلام که از آنجا گذر می‌کرد به آن دو فرمود: ولی من با سنّ کم خود، به این افتخار می کنم که شما با جهاد و شمشیر من ایمان آوردید. عباس ناراحت شده و نزد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم از علی علیه السلام شکایت کرد. در این هنگام آیه ۱ صلی الله علیه و آله وسلم سوره توبه نازل شد و بدین وسیله برتری جهاد و مبارزان با ایمان ثابت شد.(۱)

حضرت علی علیه السلام بارها برای اولویت خویش به این آیه استشهاد کرد، چرا که ایمان و جهاد، برتر از خدماتِ دورانِ شرک است که فاقد ارزش معنوی است.

ص:۵۰

---

۱- . تفسیر نمونه؛ کافی، ج ۸، ص ۲۰۴.

## ۱۸- پیشگامی در ایمان

(وَ السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهاجِرِينَ وَ الْأَنْصارِ وَ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسانٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ وَ أَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهارُ خالِدِينَ فِيها أَبَداً ذلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ) «توبه،۱۰۰»

ونخستین پیشگامانِ از مهاجران و انصار وکسانی که با نیکوکاری آنان را پیروی کردند، خدا از آنها راضی است و آنان نیز از خدا راضی، و (خدا) برای آنان باغهایی فراهم ساخته که نهرها از پای (درختان) آن جاری است، همیشه در آن جاودانه اند. این است رستگاری و کامیابی بزرگ.

در این آیه، مسلمانانِ صدر اسلام به سه گروه تقسیم شده اند:

۱. پیشگامان در اسلام و هجرت.

۲. پیشگامان در نصرت پیامبر و یاری مهاجران.

۳. متأخّران که راه آنان را ادامه داده اند.

امام صادق علیه السلام فرمودند: ابتدا خداوند نام مهاجرین با سابقه را برده، سپس نام انصار و یاوران را و سپس نام پیروان آنان را بیان نموده است. بنابراین جایگاه و مقام هر گروه را در جای خود بیان کرده است. (۱)

به اتّفاق همه ی مسلمانان، اوّلین زن مسلمان حضرت خدیجه و اوّلین مرد مسلمان به اتّفاق شیعه ونظر بسیاری از اهل سنّت، علی بن ابی طالب علیه السلام است. (۲)



---

۱- . تفسیر نورالثقلین؛ کافی، ج ۲، ص ۴۱.

۲- . روایات در الغدیر، (ج ۳، ص ۲۲۰- ۲۴۰) و احقاق الحق، (ج ۳، ص ۱۱۴- ۱۲۰) آمده است.

چنانکه گفته اند: میان تاریخ نویسان اختلافی نیست که علی بن ابی طالب علیه السلام ، اوّلین مرد مسلمان است.(۱)

البتّه عدّه ای می گویند: ایمانِ نوجوانی ده ساله چه ارزشی دارد؟ در جواب آنان باید گفت: نبوّت حضرت عیسی و حضرت یحیی نیز در کودکی بود و ارزش داشت!

آری موقعیت پیشگامان در نهضت ها باید حفظ شود و بدانیم تنها پیروی از نیکی ها وکمالات گذشتگان ارزش است، نه هر پیروی وتبعیتی و اگر مؤمن، به قضای الهی راضی باشد، خدا هم از او راضی خواهد بود چنانکه در پایان آیه فرمود: «رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ»



---

۱- . تفسیر قرطبی، ج ۵، ص ۳۰۷۵؛ به نقل از مستدرک حاکم.

## ۱۹- حقیقت محض

(قُلْ هَلْ مِنْ شُرَکائِکُمْ مَنْ یهْدِی إِلَی الْحَقِّ قُلِ اللهُ یهْدِی لِلْحَقِّ أَ فَمَنْ یهْدِی إِلَی الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ یتَّبَعَ أَمَّنْ لا یهِدِّی إِلَّا أَنْ یهْدی فَما لَکُمْ کَیفَ تَحْکُمُونَ) «یونس، ۳۵»

بگو: آیا از معبودهایی که شما شریک خدا قرار داده اید، کسی هست که به سوی حقّ هدایت کند؟ بگو: (فقط) خداوند به حقّ هدایت می کند. پس آیا کسی که به سوی حقّ هدایت می کند برای پیروی شایسته تر است، یا کسی که خود هدایت نمی شود مگر آنکه هدایتش کنند؟ شما را چه می شود؟ چگونه حکم می کنید؟!

طبق روایات متواتر از شیعه و اهل سنّت، پیامبراکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «الحقّ مع علیٍّ و علیٌّ مع الحقّ»، همواره حقّ با علی علیه السلام است و علی علیه السلام با حقّ است. (۱)

هدایت صحیح، به علم گسترده و مصون از خطا، قدرت، محبّت و هدف نیازمند است. لذا جز خداوند و کسانی که او به عنوان راهنما تعیین کرده، دیگران نمی توانند هادی باشند. بت ها و طاغوت ها چگونه می توانند هادی باشند؟ «قُلِ اللَّهُ یهْدِی لِلْحَقِّ» (ذات نایافته از هستی بخش، کی تواند که شود هستی بخش)



---

۱- . احقاق الحق، ج ۵، ص ۲۸ و ۶۳۵.

## ۲۰- شاهد پیامبر

(أَ فَمَنْ کانَ عَلی بَیِّنَهٍ مِنْ رَبِّهِ وَ یتْلُوهُ شاهِدٌ مِنْهُ وَ مِنْ قَبْلِهِ کِتابُ مُوسی إِماماً وَ رَحْمَهً أُولئِکَ یؤْمِنُونَ بِهِ وَ مَنْ یکْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزابِ

فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ فَلا تَکُ فِی مِرْیهٍ مِنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّکَ وَ لکِنَّ أَکْثَرَ النَّاسِ لا یؤْمِنُونَ) «هود، ۱۷»

آیا آن کس که (همچون پیامبر اسلام) دلیل روشنی (مثل قرآن) از طرف پروردگارش دارد و بدنبال او شاهدی از اوست، و پیش از او (نیز) کتاب موسی (که) رهبر و رحمت بوده است (بر آمدن او بشارت داده، مانند کسی است که این خصوصیات را نداشته باشد؟)، آنان (کسانی که حق جو هستند) به او ایمان می آورند، و هر کس از احزاب (و گروه های مختلف) که به او کافر شود، وعدگاهش آتش است. پس، از آن در تردید مباش (که) قطعاً آن (وحی، کلامِ) حقّی است (که) ازپروردگارت (نازل شده)، اگر چه اکثر مردم ایمان نیاورند.

روایات بسیاری از ائمه معصومین علیهم السلام رسیده است که مراد از «شاهِد» در این آیه، علیّ بن ابی طالب علیه السلام است.(۱) چنانکه خود حضرت علی علیه السلام نیز در خطبه ای فرمود: مُراد از «شاهد» من هستم.

بر اساس این آیه، شاهد و گواه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم از اوست، نه جدای از او.

ص:۵۴

---

۱- . کافی، ج ۱، ص ۱۹۰.

طبق روایات شیعه و سنّی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: من از علیّ هستم و علیّ از من است. (۱)

در آخرین آیه ی سوره ی رعد آمده است که وقتی کفّار به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم گفتند: «لَسْتَ مُرْسَلًا» پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به امر خداوند پاسخ می دهد: «کَفی بِاللَّهِ شَهِیداً بَیْنِی وَ بَیْنَکُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْکِتابِ» یعنی برای گواهی میان من و شما، خداوند و کسی که علم کتاب نزد اوست کافی است. در آنجا

نیز طبق روایات شیعه و سنّی مُراد از «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْکِتابِ» علی بن ابی طالب علیه السلام است که شهید و گواه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است. در آنجا شهید و در اینجا شاهد است.

مطابق روایات، مراد از کسی که علم همه ی کتاب را دارد، حضرت علی علیه السلام و اهل بیت پیامبر: می باشند.(۲)

وقتی یکی از اطرافیان حضرت سلیمان که مقداری از علم کتاب را دارد، می تواند در کمتر از یک چشم برهم زدن، تخت ملکه ی سبأ را در پیش روی آن حضرت حاضر کند، پس اگر کسی تمام علم کتاب را داشته باشد، چه قدرتی می تواند داشته باشد؟!

بنابراین کسی که در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم همراه و دنباله رو اوست، پس از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم هم جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است. «یتْلُوهُ»



---

۱- . صحیح بخاری، کتاب صلح، باب «کیف نکتب»؛ مسند احمد حنبل، ج ۵، ص ۳۵۶.

۲- . تفسیر کنزالدقائق.

## ۲۱- هادی امّت

﴿وَ یقُولُ الَّذِینَ کَفَرُوا لَوْ لا أُنْزِلَ عَلَیهِ آیهٌ مِنْ رَبِّهِ إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ﴾ «رعد، ۷»

وکسانی که کفر ورزیدند می گویند: چرا از طرف پروردگارش نشانه ای (آشکار و به دلخواه ما) بر او نازل نشده است؟ (ای پیامبر!) تو فقط بیم دهنده ای و برای هر قومی راهنمایی است.

از ابن عباس نقل شده که پیامبراکرم صلی الله علیه و آله وسلم دست مبارکشان را بر روی سینه گذاشتند و فرمودند: «أنا المنذر» و آنگاه به علی بن ابیطالب علیه السلام اشاره کردند و فرمودند: «انت الهادی، بک یهتدی

المهتدون بعدی»(۱)، (ای علی!) تو هدایت کننده‌ای و پس از من، تو وسیله هدایت هدایت شدگانی.

با آنکه دیگر پیامبری مبعوث نمی شود، امّا خداوند حجت خود را بر همه ی مردم تمام می کند و هرگز زمین از حجت خالی نمی ماند. «وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ» بنابراین در عصر حاضر نیز ما باید امام یا هادی زنده داشته باشیم. (۲)

ص:۵۶

---

۱- . تفسیرکبیر، ج ۱۹، ص ۱۴. طبری و ابن کثیر و احقاق الحقّ، (ج ۳، ص ۸۷) نیز آن را نقل کرده اند.

۲- . در تفاسیر مجمع البیان و کنزالدقائق، ۲۶ حدیث آمده که مراد از «هاد» ائمه معصومین علیهم السلام هستند.

## ۲۲- محبتش هدیه خداوند

(إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحاتِ سَیجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمنُ وُدًّا)«مریم،۹۶»

همانا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند به زودی خدای رحمان برای آنان محبّتی (در دلها) قرار می دهد.

از امام صادق علیه السلام روایت شده است: ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام پاداشی است که خدا به مؤمنان دارای عمل صالح می دهد.(۱) و نظیر این روایت از پیامبر اکر م صلی الله علیه و آله وسلم در مورد مهر و محبّت اهل ایمان به علیّ علیه السلام آمده است.(۲)

بارها دیده ایم که هرگاه انسان های با ایمان و صالح از دنیا می روند، حتّی افراد لاابالی و فاسق هم در غم فرو می روند و ناخودآگاه به عزا می نشینند.

آری، کسی که تنها به خدا دل ببندد، خداوند هم دلهای مردم را به او متوجّه می کند. کسی که به یاد خدا باشد، خدا هم او را یاد می کند. «فَاذْکُرُونِی أَذْکُرْکُمْ»(۳)

در آیه ۸ سوره تکاثر می‌خوانیم: «ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ یوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِیمِ»، بر اساس احادیث، مراد از نعمتی که در قیامت مورد سؤال قرار می گیرد، آب و نان نیست، که بر خداوند قبیح است از این امور سؤال کند. بلکه مراد نعمت ولایت و رهبری معصوم است (۴) امام رضا علیه السلام فرمود: سؤال از آب و نان و ... از مردم قبیح است تا چه رسد به خداوند، بنابراین مراد از سؤال از نعمت، همان نعمت رهبری معصوم است. (۵)



---

۱- . کافی، ج ۱، ص ۴۳۱.

۲- . تفسیر فرات کوفی، ص ۲۴۷.

۳- . بقره، ۱۵۲.

۴- . تفسیر نورالثقلین.

۵- . عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۲۹.

## ۲۳- وزیر و یاوری نمونه

(وَ اجْعَلْ لِی وَزِیراً مِنْ أَهْلِی * هارُونَ أَخِی * اشْدُدْ بِهِ أَزْرِی * وَ أَشْرِکْهُ فِی أَمْرِی) «طه، ۲۹ تا ۳۲»

(موسی به خدا عرض کرد:) و از خاندانم (یاور و) وزیری برایم قرار بده. برادرم هارون را. (و اینگونه) پشت مرا با او استوار ساز. و او را در کارم شریک گردان.

«وزیر» از «وزر» به معنای بار سنگین، به کسی گفته می شود که بار مسئولیت دیگری را نیز بر دوش می کشد. کلمه ی «أَزْرِی»، نیز به معنای «پُشت من» است.

در تفاسیر آمده است که پیامبر گرامی اسلا م صلی الله علیه و آله وسلم بارها این آیات را می خواند و می فرمود: خدایا من نیز مثل موسی علیه السلام وزیری از اهل خودم می خواهم. (۱)

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می فرماید: حدیث منزلت که پیامبر اکر م صلی الله علیه و آله وسلم به حضرت علی علیه السلام فرمود: «أنت منّی بمنزله هارون من موسی الاّ أنه لا نبیّ بعدی» از صد طریق از اهل سنّت و هفتاد طریق از شیعه نقل شده است.

آری، رهبری و مدیریت باید متمرکز در شخص واحد باشد و دیگران با او همکاری کنند. «اشْدُدْ بِهِ أَزْرِی أَشْرِکْهُ فِی أَمْرِی»

ص:۵۸

---

۱- . تفاسیر درّ المنثور و نورالثقلین.

## ۲۴- معیار سنجش اعمال

(وَ نَضَعُ الْمَوازِینَ الْقِسْطَ لِیوْمِ الْقِیامَهِ فَلا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَیئاً وَ إِنْ کانَ مِثْقالَ حَبَّهٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَینا بِها وَ کَفی بِنا حاسِبِینَ) «انبیاء، ۴۷»

و ما برای روز قیامت، ترازوهای عدل برپا خواهیم کرد، پس (در آن روز) هیچ ستمی به احدی نخواهد شد و اگر (عملی) همسنگ دانه ی خردلی (هم) باشد، ما آن را (برای محاسبه) خواهیم آورد و (همین قدر در دقّت محاسبات) کافی است که ما حسابرس باشیم.

«موازین» جمع «میزان» به معنای وسیله سنجش است روشن است که سنجش هر چیزی با وسیله ای متناسب با آن صورت می پذیرد، مثلًا برای سنجش درجه ی هوا، آن را با دماسنج، برای اندازه گیری طول، آن را با متر و برای سنجش وزن اشیا، آن را با کیلو محاسبه می کنند. بدیهی است که برای سنجیدن انسان و اعمال او نیز از وسیله ای متناسب با او که همان انسان کامل است استفاده شود، همانطور که در روایات آمده است: انبیا و اوصیا به خصوص حضرت علی علیه السلام و فرزندان معصومش، میزان و معیار سنجش اعمال انسان ها در قیامت هستند. (۱)

در زیارتنامه ی امیرالمؤمنین علیّ علیه السلام نیز می خوانیم: «السلام علی میزان الاعمال»(۲)

ص:۵۹

---

۱- . کافی، ج ۱، ص ۴۶۹؛ بحار، ج ۷، ص ۲۵۲.

۲- . تفسیر نمونه.

شاید دلیل آنکه کلمه «موازین» به صورت جمع آمده، این باشد که کارهای گوناگون انسان با ابزارهای گوناگون سنجیده می شود و هر کار، میزان مخصوص به خود را دارد.

«خَرْدَلٍ» نام گیاهی با دانه های سیاه بسیار ریز که در کوچکی و حقارت، ضرب المثل شده است.

در سوره قارعه (۶ – ۹) نتیجه سنجش بیان شده است:

«فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوازِينُهُ * فَهُوَ فِی عِيشَةٍ راضِيهٍ * وَ أَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوازِينُهُ * فَأُمُّهُ هاوِيهٌ»، پس هر کس کفّه های (عمل خیرش در) ترازویش سنگین باشد، پس او در زندگی رضایت بخشی است. ولی هر کس کفّه های (کار خیرش در) ترازویش سبک باشد، پس در آغوش آتش است.

ص:۶۰

## ۲۵- رفعت و برتری

(فِی بُیوتٍ أَذِنَ اللهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ یذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ یسَبِّحُ لَهُ فِیها بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ) «نور، ۳۶»

(این نور هـدایت) در خانه هایی است که خدا اذن داده رفعت یابند و نام او در آنها ذکر شود. در آنها بامدادان و شامگاهان او را تسبیح گویند.

امام باقر علیه السلام فرمود: مراد از «بیوت» در این آیه، خانه های انبیا و حکما و امامان معصوم می باشد.(۱) روزی پیامبر اکر م صلی الله علیه و آله وسـلم مشـغول تلاوت این آیه بود. ابوبکر برخاست و پرسید: آیا خانه ی فاطمه و علی۸ از مصادیق این آیه است؟ فرمود: آری، از بهترین مصادیق این آیه است.(۲)

در زیـارت جامعه خطاب به ائمّه معصومین علیهم السـلام می خوانیم: «جعلکم فی بیوت أذن الله أن ترفع...» بنابراین حرم امامان معصوم علیهم السلام، یکی از مصادیق این آیه است.

ص:۶۱

---

۱- . تفسیر نورالثقلین.

۲- . تفسیر روح المعانی.

## ۲۶- اولین یاور در اولین میهمانی

(وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ) «شعراء، ۲۱۴»

و خویشان نزدیکت را هشدار ده.

کلمه ی «عشیره»، شاید به خاطر معاشرت بستگان با یکدیگر است که در مورد خویشان بکار می رود.

بر اساس آنچه در تواریخ اسلامی آمده است، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در سال سوم بعثت مامور ابلاغ این دعوت شد، زیرا تا آن زمان، دعوت مخفیانه انجام می گرفت و تعداد کمی اسلام را پذیرا شده بودند. پس از نزول این آیه، پیامبر اکر م صلی الله علیه و آله وسلم پیغمبر مأمور شد دعوت خود را آشکار سازد و نخست از خویشاوندان شروع کند.(۱) لذا آن حضرت بستگان را به مهمانی فراخواند و بعد از پذیرایی، سخن خود را آغاز و آنان را از شرک و بت پرستی نهی و به ایمان به خدای یکتا دعوت فرمود. (۲)

بستگان نزدیک در خانه ابوطالب گرد هم آمدند، آنها در آن روز حدود چهل نفر بودند و از عموهای آن حضرت، ابوطالب و حمزه و ابولهب حضور داشتند.

پس از صرف غذا هنگامی که پیامبر می خواست وظیفه خود را ابلاغ کند، ابولهب با گفته های خود زمینه را از میان برد و جمعیت متفرق شدند، لذا فردای آن روز پیامبر دوباره آنها را دعوت به غذا کرد و بعد از صرف غذا چنین فرمود: " ای فرزندان عبد المطلب! به خدا سوگند من هیچ جوانی را در عرب نمی شناسم که



---

۱- . تفسیر نمونه؛ سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۲۸۰.

۲- . تفسیر مجمع البیان.

برای قومش چیزی بهتر از آنچه من آورده ام آورده باشد، من خیر دنیا و آخرت را برای شما آورده ام، و خداوند به من دستور داده است که شما را به این آئین

دعوت کنم، کدام یک از شما مرا در این کار یاری خواهید کرد، تا برادر من و وصی و جانشین من باشید؟"جمعیت همگی سر باز زدند جز علی علیه السلام که از همه کوچکتر بود، برخاست و عرض کرد: ای پیامبر خدا! من در این راه یار و یاور توام.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم دست بر علی نهاد و فرمود: «انّ هذا اخی و وصییّ و خلیفتی فیکم فاسمعوا له و اطیعوه»، " این برادر و وصی و جانشین من در میان شماست، سخن او را بشنوید و فرمانش را اطاعت کنید". جمعیت از جا برخاستند در حالی که خنده تمسخرآمیزی بر لب داشتند، به ابوطالب می گفتند: به تو دستور می دهد که گوش به فرمان پسرت کنی، و از وی اطاعت نمایی!

این حدیث را بسیاری از دانشمندان اهل سنت، همچون" ابن ابی جریر" و" ابن ابی حاتم" و" ابن مردویه" و" ابو نعیم" و" بیهقی" و" ثعلبی" و" طبری" نقل کرده اند، و" ابن اثیر" در جلد دوم کتاب" کامل" این سخن را آورده است، همچنین" ابو الفداء" در جلد اول تاریخش و گروهی دیگر.(۱)

این حدیث نشان می دهد تا چه اندازه پیامبر اکر م صلی الله علیه و آله وسلم در آن روز تنها بود، و چگونه در پاسخ دعوتش جز استهزاء و مسخره کردن عکس العملی نداشتند، و چگونه علی علیه السلام از نخستین روزهای دعوت رسول خدا که از تنهایی سخت رنج می برد، در کنار حضرتش ایستاد و مدافع ایشان بود.



---

۱- . تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۳۷۳؛ برای توضیح بیشتر به کتاب المراجعات ص ۱۳۰ و کتاب احقاق الحق، ج ۴، ص ۶۲ مراجعه فرمائید.

## ۲۷- عروه الوثقی و حبل الله

(وَ مَنْ یسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَی اللهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَکَ بِالْعُرْوَهِ الْوُثْقی وَ إِلَی اللهِ عاقِبَهُ الْأُمُورِ) «لقمان، ۲۲»

و هر کس روی خود را (به حقیقت) به سوی خدا کند، در حالی که نیکوکار باشد، پس بی تردید به دستگیره (و رشته ی) محکمی چنگ زده، و پایان همه ی کارها به سوی اوست.

در روایات می خوانیم: رهبران معصوم و اهل بیت پیامبر علیهم السلام و علاقه و مودّت آنان، ریسمان محکم الهی و عروهالوثقی می باشند. «نحن العروه الوثقی»(۱) «العروه الوثقی الموده لآل محمد»(۲)

و رسول اکر م صلی الله علیه و آله وسلم به حضرت علی علیه السلام فرمودند: «انت العروه الوثقی»،(۳) یا علی، تو عروه الوثقی هستی.

آری کسی که به عروه الوثقی متصل شود، دیگر شکست و گسستی ندارد. چنانکه آیه ۲۵۶ سوره بقره می‌فرماید: «لا إِکْراهَ فی الدِّینِ قَدْ تَبینَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَیِّ فَمَنْ یکْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَ یؤْمِنْ بِاللهِ فَقَدِ اسْتَمْسَکَ بِالْعُرْوَهِ الْوُثْقی لَا انْفِصامَ لَها وَ اللهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ»، در (پذیرش) دین، اکراهی نیست. همانا راه رشد از گمراهی روشن شده است، پس هر که به طاغوت کافر شود و به خداوند ایمان آورد، قطعاً به دستگیره محکمی دست یافته، که گسستنی برای آن نیست. وخداوند شنوای دانا است.



---

۱- . بحار، ج ۲۶، ص ۲۶۰.

۲- . بحار، ج ۲۴، ص ۸۵.

۳- . تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۴۱.

همچنین در ذیل آیه :

«وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللهِ جَمِیعاً وَ لا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللهِ عَلَیكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْداءً فَأَلَّفَ بَینَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْواناً وَ كُنْتُمْ عَلی شَفا حُفْرَةٍ مِنَ النّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْها كَذلِكَ یبَینُ اللهُ لَكُمْ آیاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ»(۱)، و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید وپراکنده نشوید ونعمت خدا را بر خود یاد کنید،

آنگاه که دشمنان یکدیگر بودید، پس خداوند میان دلهایتان الفت انداخت ودر سایه نعمت او برادران یکدیگر شدید، و بر لب پرتگاهی از آتش بودید، پس شما را از آن نجات داد. این گونه خداوند آیات خود را برای شما بیان می کند، شاید هدایت شوید.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «نحن حبل اللّه»(۲) ما اهل بیت، حبل اللّه هستیم.

و در روایت دیگری آمده است: علیّ بن ابی طالب علیه السلام حبل اللّه است. (۳)

ص:۶۵

---

۱- . آل عمران، ۱۰۳.

۲- . تفسیرمجمع البیان.

۳- . تفسیرنورالثقلین.

## ۲۸- قهرمان جهاد و عبادت

(یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اذْکُرُوا نِعْمَهَ اللهِ عَلَیکُمْ إِذْ جاءَتْکُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنا عَلَیهِمْ رِیحاً وَ جُنُوداً لَمْ تَرَوْها وَ کانَ اللهُ بِما تَعْمَلُونَ بَصِیراً) «احزاب ۹ تا ۲۵»

ای کسانی که ایمان آورده اید! نعمت خدا را بر خود به یاد آورید، آن گاه که (دشمنان شما در قالب) لشکریانی به سراغتان آمدند، ولی ما (برای دفاع از شما) تند بادی (سخت) و لشکریانی که آنها را نمی دیدید بر آنان فرستادیم، (و بدین وسیله دشمنان را قلع و قمع کردیم)، و خداوند به آنچه انجام می دهید بیناست.

این آیه و شانزده آیه پس از آن، به جنگ احزاب (خندق) مربوط است که در سال پنجم هجری واقع شد. این جنگ از آن جهت که توسط گروه های مختلف برنامه ریزی شد، جنگ احزاب، و از آن جهت که مسلمانان برای دفاع از خود، خندق کندند، به جنگ خندق معروف شد.

یهودیان و مشرکان و منافقان قصد کودتا و تصرّف مدینه را داشتند، مسلمانان با پیشنهاد سلمان فارسی و موافقت پیامبر اکر م صلی الله علیه و آله وسلم اطراف مدینه را خندق کندند و در برابر دشمن استقامت کردند. در حفر خندق نیز، اوّلین کلنگ را خود رسول اللّه به زمین زد و هر بار که بر اثر اصابت کلنگ به سنگ برقی می جهید، پیامبر پیروزی اسلام بر منطقه ای از جهان را بشارت می داد. خداوند در این نبرد به وسیله ی وزش باد و نزول فرشتگان مسلمانان را یاری کرد.

در جنگ احزاب، همین که حضرت علی علیه السلام «عَمربن عَبدُودّ»، پهلوان نامی عرب را که از خندق گذشت به قتل رساند، آنها حساب کار خود را کرده، باز گشتند. چنانکه قرآن در آیه ۲۵ این سوره می‌فرماید: «وَ رَدَّ اللَّهُ الَّذِینَ کَفَرُوا بِغَیظِهِمْ لَمْ ینالُوا خَیراً وَ کَفَی اللَّهُ الْمُؤْمِنِینَ الْقِتالَ وَ کانَ اللَّهُ قَوِیا عَزِیزاً»، و خداوند کسانی را که کفر ورزیدند با دلی پر از خشم بر گرداند، بدون آن که هیچ

خیری (پیروزی و غنیمتی) به دست آورند، و خداوند مؤمنان را از جنگ بی نیاز ساخت (و آنان را پیروز کرد)، و خداوند، توانای شکست ناپذیر است.

پنج قهرمان معروف عرب در آن روز که عمرو بن عبدود سرآمد آنها بود، لباس جنگ پوشیده و با غرور خاصی به میدان آمدند و مبارز طلبیدند، ولی در برابر نعره های آنان سکوت بر لشکر حکمفرما بود، و کسی جرات مقابله را نداشت، جز علی بن ابی طالب که به مقابله برخاست و به میدان آمد.

در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «برز الایمان کله الی الشرک کله»(۱)، اکنون " تمام ایمان در برابر تمام کفر قرار گرفت" چرا که پیروزی یکی از این دو نفر بر دیگری پیروزی کفر بر ایمان یا ایمان بر کفر بود، و به تعبیر دیگر کارزاری بود سرنوشت ساز که آینده اسلام و شرک را مشخص می کرد.

پیامبر به او فرمود: نزدیک بیا، عمامه بر سرش پیچید و شمشیر مخصوصش ذو الفقار را به او بخشید، و برای او دعا کرد: «اللهم احفظه من بین یدیه و من خلفه و عن یمینه و عن شماله و من فوقه و من تحته»، "خداوندا! او را از پیش رو و پشت سر و از راست و چپ، و از بالا و پائین حفظ کن".



---

۱- . بحار، ج ۲۰، ص ۲۱۵.

علی علیه السلام به سرعت به وسط میدان آمد و با رجزخوانی و اشعاری پاسخ عمرو را داد.

اَنا الَّذی سَمَّتْنی اُمی حَیْدَرَه ضَرغام آجامٍ وَلَیْثٌ قَسْوَرَه

عَبْلُ الذِّراعَیْنِ غَلیظُ القَصَرَه کَلَیْثِ غاباتٍ کَریه الْمَنظَرَه

من همان کسی هستم که مادرم مرا حیدر (شیر) خوانده، مرد دلاور و شیر بیشه ها هستم. بازوان قوی و گردن نیرومند دارم، در میدان نبرد، همانند شیر بیشه ها صاحب منظری مهیب هستم.

امیر مؤمنان علی علیه السلام نخست او را دعوت به اسلام کرد، او نپذیرفت، سپس دعوت به ترک میدان نمود، از آن هم ابا کرد و این را برای خود ننگ و عار دانست، سومین پیشنهادش این بود از مرکب پیاده شود و جنگ تن به تن به صورت پیاده انجام گیرد.

حضرت علی در رویارویی با عمرو در یک لحظه از غفلت او استفاده کرده و او را با ضربه‌ای از پادرآورد و کشت. در حدیث معروفی از پیامبر در مدح حضرت علی آمده است: «ضربه علیّ یوم الخندق أفضل من عباده الثقلین»، ارزش ضربه او از ارزش عبادت تمام انسان‌ها و جنیان برتر است.

ص:۶۸

## ۲۹– امام معصوم

(.... إِنَّما یُرِیدُ اللهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً) «احزاب، ۳۳»

همانا خداوند اراده کرده است که پلیدی (گناه) را از شما اهل بیت (پیامبر) دور کند و کاملًا شما را پاک سازد.

کلمه ی «إِنَّما» نشانه ی این است که آیه ی شریفه درباره ی یک موهبت استثنایی در مورد اهل بیت علیهم السلام سخن می گوید.

مراد از «یُرِیدُ»، اراده تکوینی است، زیرا اراده تشریعی خداوند، پاکی همه ی مردم است نه تنها اهل بیت پیامبر اکرم: و مراد از «رجس» هر گونه ناپاکی ظاهری و باطنی است. (۱)

مراد از «أَهْلَ الْبَیْتِ» همه ی خانـدان پیامبر نیست، بلکه برخی افراد آن است که نام آنان در روایات شیعه و سنّی آمـده است. این گروه عبارتند از: علیّ و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام.

سؤال: دلیل این انحصار چیست؟ و چرا این بخش از آیه زنان یا تمام خاندان پیامبر را شامل نمی‌شود؟

پاسخ: ۱. روایاتی از خود همسران پیامبر حتّی از عایشه و امّ سلمه نقل شده که آنان از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم پرسیدند: آیا ما هم جزء اهل بیت هستیم؟ پیامبر فرمود: خیر.



---

۱- . تفسیر برهان، ذیل آیه.

۲. در روایات متعدّدی می خوانیم: پیامبر عبایی بر سر این پنج نفر کشید (که یکی از آنان خود حضرت بود) و فرمود: این ها اهل بیت من هستند و اجازه ی ورود دیگران را نداد.

۳. پیامبر اکر م صلی الله علیه و آله وسلم برای این که اختصاص اهل بیت را به پنج نفر ثابت کند، مدّت شش ماه (و به گفته ی بعضی روایات هشت یا نه ماه) به هنگام نماز صبح از کنار خانه فاطمه و علی۸

می گذشت و می فرمود: «الصلاه یا اهل البیت إِنَّما یُرِیدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً» در کتاب احقاق الحق بیش از هفتاد حدیث از منابع معروف اهل سنّت درباره اختصاص آیه شریفه به پنج نفر ذکر شده و در کتاب شواهد التنزیل که از کتب معروف اهل سنّت است بیش از یکصد و سی روایت در همین زمینه آمده است. (۱)

بدون شک شرط تطهیر آلودگی نیست، زیرا قرآن درباره ی حوریان بهشتی کلمه «مُطَهَّرَهٌ» را به کار برده در حالی که هیچ گونه آلودگی ندارند. به عبارت دیگر «یُطَهِّرَکُمْ» به معنای پاک نگه داشتن است نه پاک کردن از آلودگی قبلی، که اهل بیت علیهم السلام آلودگی داشته اند و خداوند آنان را تطهیر کرده است.



---

۱- . تفاسیر نورالثقلین و نمونه.

## ۳۰- امام مبین و صالح مؤمنان

(إِنَّا نَحْنُ نُحْيِ الْمَوْتى وَ نَكْتُبُ ما قَدَّمُوا وَ آثارَهُمْ وَ كُلَّ شَيْ ءٍ أَحْصَيناهُ فِي إِمامٍ مُبِينٍ) «یس،۱۲»

همانـا مـا مردگـان را زنـده می کنیـم و آن چه را از پیش فرسـتاده انـد و آثارشـان را می نویسـیم و هر چیزی را در (کتـاب و) پیشوایی روشن برشمرده ایم.

در روایـات، حضـرت علیّ بن ابی طالب علیه السـلام به عنوان یکی از مصادیق «امام مبین» معرّفی شـده که همه ی علوم در نزد اوست. (۱)

همچنین در ذیـل آیه ۴ سوره تحریم: «... وَ إِنْ تَظاهَرا عَلَيهِ فَإِنَّ اللهَ هُوَ مَوْلاهُ وَ جِبْرِيلُ وَ صالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمَلائِكَةُ بَعْدَ ذلِكَ ظَهِيرٌ»، اگر شـما دو نفر، در مقابل پیامبر یاور هم باشـید، (کاری از پیش نخواهیـد برد.) زیرا خداوند، اوست یاور او و همچنین جبرئیل و صالح مؤمنان و علاوه بر آنان، همه فرشـتگان حامی او هسـتند. ۵۲ حدیث از شـیعه و سنی نقل شده است که مراد از "صالح المؤمنین"، علیّ بن ابیطالب علیه السلام است. و این مقام را پیامبر ۹ به آن حضرت بشارت دادند. (۲)

ص:۷۱

---

۱- . تفسیر نورالثقلین.

۲- . تفسیر کنز الدقائق.

## ۳۱- دریای بیکران

(مَرَجَ الْبَحْرَینِ یلْتَقِیانِ * بَینَهُما بَرْزَخٌ لا یبْغِیانِ * فَبِأَیِّ آلاءِ رَبِّکُما تُکَذِّبانِ * یخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَ الْمَرْجانُ) «الرّحمن، ۱۹ تا ۲۲»

دو دریـا (ی شور و شـیرین) را روان سـاخت که به هم می رسـند. (اما) میان آن دو فاصـله ای قرار داد که به هم تجاوز نکننـد. پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ از هر دو (دریا)، مروارید و مرجان بیرون می آید.

«مَرَجَ» به معنای رها ساختن است، «بحر» به آب زیاد گفته می شود، خواه دریا باشد یا رودخانه و مقصود. «بَرْزَخٌ» به حدّ فاصـل میان دو چیز گفته می شود.

«لؤلؤ» به معنـای مرواریـدی است که درون صـدف پرورش یابـد و «مرجـان»، هم به مرواریـدهای کوچک گفته می شود و هم نوعی حیوان دریایی که شبیه شاخه درخت است و صیادان آن را صید می کنند.

امـام صـادق علیه السـلام در تفسـیر آیه «مَرَجَ الْبَحْرَینِ یلْتَقِیـانِ» فرمـود: «علی و فـاطمه۸ بحران عمیقـان، لاـ یبغی احـدهما علی صاحبه، یخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَ الْمَرْجانُ، الحسن و الحسـین۸»(۱) علی و فاطمه۸ دو دریای عمیق اند که هیچ یک بر دیگر تجاوز نمی کند و از این دو دریا، لؤلؤ و مرجانی چون حسن و حسین۸ خارج می شود.

ص:۷۲

---

۱- . تفسیر قمی.

## ۳۲- نجوایی اختصاصی

(یـا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِذا نـاجَیتُمُ الرَّسُولَ فَقَـدِّمُوا بَینَ یـدَیْ نَجْواکُمْ صَـدَقَةً ذلِـکَ خَیرٌ لَکُمْ وَ أَطْهَرُ فَـإِنْ لَمْ تَجِـدُوا فَإِنَّ اللّهَ غَفُورٌ رَحِیمٌ) «مجادله، ۱۲»

ای کسانی که ایمان آورده اید! هرگاه خواستید با رسول خدا، گفتگوی خصوصی داشته باشید، پس قبل از نجوای خود صدقه ای بدهیـد. این برای شـما بهتر و پـاکیزه تر است و اگر (برای صـدقه دادن مالی) نیافتیـد پس همانا خداونـد آمرزنـده و مهربان است (و می توانید بدون پرداخت صدقه گفتگوی خصوصی داشته باشید).

گروهی از مردم به خصوص ثروتمنـدان مرتبـاً مزاحم پیامبر می شدنـد و خصوصـی با پیامبر سـخن می گفتنـد و کاری که مایه انـدوه دیگران و یا کسب امتیاز و تقرب بی دلیل برای آنان بود. آیه نازل شـد تا آزمونی برای علاقه واقعی آنان باشد. البته این حکم جنبه موقتی و آزمایشی داشت و پس از مدتی حکم برداشته شد. (۱)

حضـرت علی علیه السـلام می فرماید: آیه ای که نه قبل از من و نه بعد از من کسی به آن عمل نکرد، آیه صدقه است. دیناری داشـتم، آن را به ده درهم تبـدیل کردم، هر بـارکه می خواسـتم بـا پیامبر اکر م صـلی الله علیه و آله وسـلم نجوا و گفتگو کنم، درهمی صدقه می دادم. (۲)

ص:۷۳

---

۱- . تفسیر نمونه.

۲- . تفاسیر کنزالدقائق، نمونه و درّ المنثور.

برخی اصحاب پیامبر که به خاطر ترس از بذل مال، به هر اندازه که باشد گفتگو با رسول اللّه صلی الله علیه و آله وسلم را ترک کردند، در آیه بعدی مورد عتاب الهی قرار گرفته اند. با آنکه نجوا با پیامبر، امری واجب یا مستحب نبود، ولی چون بخل ورزیدند، مورد توبیخ قرار گرفتند. «أَ أَشْفَقْتُمْ»

زمخشری، فخررازی، مراغی، قرطبی، از مفسّران اهل سنّت و شیخ طبرسی، ابوالفتوح رازی و علامه طباطبایی از مفسّران شیعه، روایاتی را نقل کرده اند که «أُذُنٌ واعِيَةٌ» به حضرت علی علیه السلام تطبیق شده است. آنجا که خداوند می‌فرماید: «....لِنَجْعَلَها لَكُمْ تَذْكِرَةً وَ تَعِيَها أُذُنٌ واعِيَةٌ»، (ما نوح و مؤمنان همراه او در کشتی را نجات دادیم،) تا آن را وسیله تذکّری برای شما قرار دهیم و گوشی که شنواست آن را ضبط کند. مفرد بودن کلمه «أُذُنٌ» تأیید همین نکته است که آن که تمام حقایق را حفظ کرده یک گوش بیشتر نبوده است.

## ۳۳- ایثار خالصانه خانوادگی

(وَ یطْعِمُونَ الطَّعامَ عَلی حُبِّهِ مِسْکِیناً وَ یتِیماً وَ أَسِیراً * إِنَّما نُطْعِمُکُمْ لِوَجْهِ اللهِ لا نُرِیدُ مِنْکُمْ جَزاءً وَ لا شُکُوراً ) «انسان، ۸ و ۹»

و غذای خود را با آن که دوستش دارند، به بینوا و یتیم و اسیر می دهند. (و می گویند:) ما برای رضای خدا به شما طعام می دهیم و از شما پاداش و تشکّری نمی خواهیم.

در روایات آمده است: امام حسن و امام حسین۸ بیمار شدند. پیامبر اکر م صلی الله علیه و آله وسلم با مردم به عیادت آنان آمدند و به حضرت علی علیه السلام پیشنهاد کردند که برای سلامتی دو کودک عزیز خود نذر کنند که روزه بگیرند. پس از آن که حسنین بهبود یافتند، حضرت علی و حضرت فاطمه۸ سه روز روزه گرفتند، امّا برای افطار غذایی در خانه نداشتند.

حضرت علی علیه السلام مقداری جو قرض کرد و نانی تهیه شد. به هنگام مغرب ابتدا نماز مغرب را خواندند و خواستند افطار نمایند که شب اول فردی مسکین، شب دوّم فردی یتیم و شب سوّم سائلی اسیر، درب منزل علی علیه السلام را به صدا درآوردند و درخواست غذا کردند. اهل بیت علیهم السلام برای رضای خدا، غذای خود را به آنان دادند و خودشان با آب افطار کردند. خداوند متعال، این سوره را در وصف ایثار آنان نازل فرمود.

ص:۷۵

مهم آن است که در این حرکت مقدس، پیامبر اکر م صلی الله علیه و آله وسلم سهیم و شریک نبود تا روشن شود که این سوره فقط درباره اهل بیت علیهم السلام نازل شده است. (۱)

بر اساس برخی روایات، اطعام مسکین و یتیم و اسیر در یک شب واقع شد و براساس برخی، در سه شب متوالی اتفاق افتاد و هر شب، یکی از آنها مراجعه کرد.

صاحب تفسیر المیزان می فرماید: محبّت اهل بیت به خداوند در آیه بعد مطرح شده که می گویند: «إِنَّما نُطْعِمُکُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ» و منظور از «عَلی حُبِّهِ»، علاقه به غذا است که در این صورت، علاوه بر اخلاص، ایثار آنان نیز ثابت می شود.

اگر به فکر نام و شهرت نباشید، خداوند نامتان را جاودانه می کند. کاری که اهل بیت کردند، ارزش مادی فراوانی نداشت ولی چون خالصانه بود، خداوند آن را ماندگار ساخت.

در این آیه، کلمات مسکین و یتیم و اسیر به صورت نکره آمده تا بگوید: در اطعام، نباید گزینش کرد، بلکه به هرکس که بود انفاق کنید.



---

۱- . الغدیر، ج ۳، ص ۱۰۷.

## ۳۴- نبأ عظیم

(عَمَّ یتَساءَلُونَ * عَنِ النَّبَإِ الْعَظِیمِ) «نبأ، ۱- ۲»

درباره چه از یکدیگر می پرسند؟ از خبر بزرگ.

واژه «نبأ» به معنای خبرِ مهم و حتمی است که از آیات بعد فهمیده می شود مراد از آن خبر برپاشدن قیامت و رستاخیز است.

در روایات، حضرت علی علیه السلام به عنوان یکی از مصادیقِ «نَبَأٌ عَظِیمٌ» معرّفی شده است. (۱)



---

۱- . تفسیر نور الثقلین.

## ۳۵- حلال مشکلات

(أَ لَمْ نَشْرَحْ لَکَ صَدْرَکَ * وَ وَضَعْنا عَنْکَ وِزْرَکَ * الَّذِی أَنْقَضَ ظَهْرَکَ) «انشراح، ۱-۳»

(ای پیامبر!) آیا به تو شرح صدر عطا نکردیم؟ و بار سنگین ات را از (دوش) تو برنداشتیم؟ آن (بار گرانی) که برای تو کمرشکن بود.

مراد از بار سنگین که بر دوش پیامبر سنگینی می کرد و خداوند با دادن شرح صدر، آن را ازدوش پیامبر برداشت، مسئولیت رسالت و دعوت مردم به توحید و مبارزه با فساد و شرک و خرافات است.

نمونه آن این بود که در جنگ های بدر و خندق و حنین اسلام پیروز شد و با اینکه بعضی منافق و یا ترسو بودند و فرار می کردند باز اسلام رو به رشد بود و مردم فوج فوج در دین خدا وارد می شدند «یدْخُلُونَ فِی دِینِ اللَّهِ أَفْواجاً»(۱)

در اکثر موارد این بار سنگین توسط حضرت علی علیه السلام از دوش پیامبر برداشته می شد. او در بدر و خیبر و احد شجاعانه ترین عملیات را انجام داد.



---

۱- . نصر، ۲.

## ۳۶- استمرار امامت

(بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ * إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِی لَیلَهِ الْقَدْرِ * وَ ما أَدْراکَ ما لَیلَهُ الْقَدْرِ * لَیلَهُ الْقَدْرِ خَیرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ * تَنَزَّلُ الْمَلائِکَهُ وَ الرُّوحُ فِیها بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ کُلِّ أَمْرٍ * سَلامٌ هِیَ حَتَّی مَطْلَعِ الْفَجْرِ)

به نام خداوند بخشنده مهربان. همانا ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم. و تو چه دانی که شب قدر چیست؟ شب قدر از هزار ماه بهتر است. در آن شب، فرشتگان و روح به اذن پروردگارشان برای انجام هر کاری فرود آیند. (آن شب) تا طلوع فجر، (سراسر) سلام و درود است.

در روایات آمده است که با منکران امامت، با سوره قدر احتجاج کنید. (۱) زیرا بر اساس این سوره، فرشتگان هر سال در شب قدر نازل می شوند. در زمان حیات پیامبر بر وجود شریف حضرتش وارد می شدند، پس از آن حضرت بر چه کسانی نازل می شوند؟ روشن است که هر کسی نمی تواند میزبان فرشتگان الهی باشد و باید او همچون پیامبر، معصوم بوده و ولایت امور بشر به عهده او باشد و او کسی جز امام معصوم نیست که پس از پیامبر امام علی و دیگر امامان معصوم از فرزندان او بوده‌اند تا زمان ما که حضرت مهدی علیه السلام می باشد و فرشتگان در شب قدر شرفیاب محضرش می شوند.

از وقایع عجیب تاریخی، ضربت خوردن حضرت علی علیه السلام در شب قدر، در محراب عبادت و به هنگام نماز است. آری، اشرف خلق خدا، در اشرف مکان ها و اشرف زمان ها، در اشرف حالات، شهید شد.



---

۱- . تفسیر نورالثقلین.

## ۳۷- خیر البریّه

(إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ أُولئِکَ هُمْ خَیرُ الْبَرِیهِ) «بیّنه، ۷»

بی شک کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، آنانند خود بهترین مخلوقات.

کلمه «بریه» یا از «بری» به معنای خاک و مراد از آن تمام خاکیان از جمله بشر است و یا از «برء» به معنای خلق است و «بریه» به معنای مخلوقات است.

در روایاتی از شیعه و سنی نقل شده که پیامبر اکر م صلی الله علیه و آله وسلم به علیّ بن ابیطالب فرمودند: تو و یاران تو "خیر البریه" هستید. (۱)

در حدیث دیگری از" جابر بن عبد اللَّه انصاری" آمده است که ما خدمت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم کنار خانه خدا نشسته بودیم علی علیه السلام به سوی ما آمد، هنگامی که چشم پیامبر به او افتاد فرمود: «قد أتاکم أخی»، " برادرم به سراغ شما می آید" سپس رو به کعبه کرد و فرمود: «و ربّ هذه البنیه! انّ هذا و شیعته هم الفائزون یوم القیامه»، "به خدای این کعبه قسم که این مرد و شیعیانش در قیامت رستگارانند"

سپس رو به سوی ما کرد و افزود:

«اما و اللَّه انّه اولکم ایمانا باللَّه، و اقومکم بامر اللَّه، و اوفاکم بعهد اللَّه و اقضاکم بحکم اللَّه و اقسمکم بالسویه، و اعدلکم فی الرعیه، و اعظمکم عند اللَّه مزیه»، " به خدا سوگند او قبل از همه شما به خدا ایمان آورد، و قیام او به فرمان خدا بیش از همه شما است، وفایش به عهد الهی از همه بیشتر، و قضاوتش به حکم اللَّه



---

۱- . تفسیر نمونه؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۵۷.

افزونتر، و مساواتش در تقسیم (بیت المال) از همه زیادتر، عدالتش در باره رعیت از همه فزونتر، و مقامش نزد خداوند از همه بالاتر است."

جابر می گوید: در اینجا بود که این آیه « إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ أُولئِکَ هُمْ خَیرُ الْبَرِیهِ» نازل شد. از آن به بعد هنگامی که علی علیه السلام می آمد، یاران پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می گفتند: «خیر البریّه» بهترین مخلوق خدا بعد از رسول اللّه آمد"!(۱)



---

۱- . تفسیر نمونه و درّ المنثور؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۶۲، ح ۱۱۳۹.

## ۳۸- جایگاه بی نظیر رزمندگان

(وَ الْعادِیاتِ ضَبْحاً * فَالْمُورِیاتِ قَدْحاً * فَالْمُغِیراتِ صُبْحاً * فَأَثَرْنَ بِهِ نَقْعاً ) «عادیات، ۱- ۴»

سوگند به اسبان دونده که (در میدان جهاد) نفسشان به شماره افتاد. و (به هنگام تاختن، از برخورد نعل اسبان با سنگ های بیابان) به شدّت برق افروزند. و صبحگاهان بر دشمن هجوم برند. و گرد وغبار برانگیزند.

این آیات بعد از جنگ" ذات السلاسل" نازل شد و ماجرا چنین بود: در سال هشتم هجرت به پیغمبر اکر م صلی الله علیه و آله وسلم خبر دادند که دوازده هزار سوار در سرزمین "یابس" جمع شده، و با یکدیگر عهد کرده اند که تا پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و علی علیه السلام را به قتل نرسانند و مسلمانان را متلاشی نکنند از پای ننشینند! پیامبر اکر م صلی الله علیه و آله وسلم جمع کثیری از یاران خود را به سرکردگی بعضی از صحابه به سراغ آنها فرستاد، ولی بعد از گفتگوهایی بدون نتیجه بازگشتند، سرانجام پیامبر اکر م صلی الله علیه و آله وسلم علی علیه السلام را با گروه کثیری از مهاجر و انصار به نبرد آنها اعزام داشت، آنها به سرعت به سوی منطقه دشمن حرکت کردند و شبانه راه رفتند و صبحگاهان دشمن را در حلقه محاصره گرفتند، نخست اسلام را بر آنها عرضه داشتند چون نپذیرفتند هنوز هوا تاریک بود که به آنها حمله کردند و آنان را درهم شکستند، عده ای را کشتند، عده‌ای را به اسارت درآوردند، و اموال فراوانی به غنیمت گرفتند.

ص:۸۲

در حالی که هنوز سربازان اسلام به مدینه باز نگشته بودند، سوره" و العادیات" نازل شد. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آن روز برای نماز صبح آمد، و این سوره را در نماز تلاوت فرمود، بعد از پایان نماز

اصحاب عرض کردند: این سوره ای است که ما تا به حال نشنیده بودیم! فرمود: آری، علی علیه السلام بر دشمنان پیروز شد، و جبرئیل با آوردن این سوره به من بشارت داد. (۱)

چند روز بعد علی علیه السلام با غنائم و اسیران به مدینه وارد شدند.(۲)

«عدو» به معنای تجاوز است. چون دویدن، تجاوز از حدّ حرکت عادی است، به آن «عدو» گفته می شود. «ضبح» به معنای صدای نفس اسب است. «قدح» به معنای خروج آتش از سنگ چخماق، «المغیرات» از «اغاره» به معنای تاختن سریع، «صُبْحاً» کنایه از غافلگیر کردن دشمن و پنهان کردن زمان هجوم است.

«أثرن» از «اثاره» به معنای منتشر ساختن، «نقع» به معنای غبار و «کنود» به معنای کَفور است. در کلمه «بُعْثِرَ» معنای بعث و اثاره نهفته است یعنی بیرون کشیدن و زیرو رو کردن.

«حُصِّلَ» به معنای استخراج مغز از پوسته و متمایز شدن خصلت های نیک و بد در آن روز از یکدیگر است.

آری جهاد و دفاع و رزمندگان مجاهد همچون امام علی و یارانش به قدری ارزش دارد که خداوند به نفس و جرقه سم اسب های آنان سوگند یاد می کند.

ص:۸۳

---

۱- . تفسیر نمونه.

۲- . تفاسیر نمونه و مجمع البیان؛ بحار، ج ۲۱، ص ۶۶.

## ۳۹– همتای کوثر

(بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ * إِنَّا أَعْطَیناکَ الْکَوْثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّکَ وَ انْحَرْ * إِنَّ شانِئَکَ هُوَ الْأَبْتَرُ )

همانا ما به تو خیر کثیر عطا کردیم. پس برای پروردگارت نماز بگزار و (شتر) قربانی کن. همانا دشمن تو بی نسل و دم بریده است.

کلمه «کوثر» از «کثرت» گرفته شده و به معنای خیر کثیر و فراوان است. و روشن است که این معنا می تواند مصادیق متعدّدی همچون وحی، نبوّت، قرآن، مقام شفاعت، علم کثیر و اخلاق نیکو داشته باشد، ولی آیه آخر سوره، می تواند شاهدی بر این باشد که مراد از کوثر، نسل مبارک پیامبر اکرم است که از حضرت علی و حضرت زهرا۸می‌باشد. زیرا دشمنِ کینه توز با جسارت به پیامبر، او را ابتر می نامید و خداوند در دفاع از پیامبرش فرمود: «إِنَّ شانِئَکَ هُوَ الْأَبْتَرُ» دشمن تو، خود ابتر است.

کلمه «ابتر» در اصل به حیوان دم بریده و در اصطلاح به کسی گفته می شود که نسلی از او به یادگار باقی نمانده باشد. از آنجا که فرزندان پسر پیامبر در کودکی از دنیا رفتند، دشمنان می گفتند: او دیگر عقبه و نسلی ندارد و ابتر است. زیرا در فرهنگ جاهلیت دختر لایق آن نبود که نام پدر را زنده نگاه دارد. بنابراین مراد از کوثر، نسل کثیر پیامبر است که بدون شک از طریق حضرت زهرا و علی علیهما السلام می باشد.

ص:۸۴

فخررازی در تفسیر کبیر می گوید: چه نسلی با برکت تر از نسل فاطمه که مثل باقر و صادق و رضا از آن برخاسته است و با آنکه تعداد بسیاری از آنان را در طول تاریخ، به خصوص در زمان حکومت بنی امیه و بنی عبّاس شهید کردند، امّا باز هم امروز فرزندان او در اکثر کشورهای اسلامی گسترده اند.

بر اساس روایات، نام یکی از نهرها و حوض های بهشتی، کوثر است و مؤمنان از آن سیراب می شوند. چنانکه در روایت متواتر ثقلین نیز پیامبر اکر م صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «انّهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض» کتاب و عترت از یکدیگر جدا نمی شوند تا آنکه در قیامت، در کنار حوض به من ملحق شوند.

تاریخ و آمار بهترین شاهد بر کوثر بودن این عطیه الهی است. هیچ نسلی از هیچ قومی در جهان، به اندازه نسل حضرت فاطمه علیها السلام رشد و شکوفایی نداشته است. خصوصاً اگر کسانی را که مادرشان سید است، از سادات به حساب آوریم، آمار سادات در جهان نشانه معجزه این خبر غیبی است.

در سوره ضحی، خداوند وعده ی عطا به پیامبر داده بود: «وَ لَسَوْفَ یعْطِیکَ رَبُّکَ فَتَرْضی» پروردگارت در آینده عطائی خواهد کرد که تو راضی شوی. در این سوره خداوند به آن وعده عمل کرده و می فرماید: «إِنَّا أَعْطَیناکَ الْکَوْثَرَ»

ص:۸۵

## ۴۰– بت شکنی بر دوش پیامبر

(بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ * إِذا جاءَ نَصْرُ اللهِ وَ الْفَتْحُ * وَ رَأَيتَ النَّاسَ يدْخُلُونَ فِي دِينِ اللهِ أَفْواجاً * فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّک وَ اسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كانَ تَوَّاباً)

هنگامی که نصرت الهی فرا رسید. مردم را دیدی که دسته دسته در دین خدا وارد می شوند. پس باید سپاسگزارانه پروردگارت را تنزیه کنی و از او آمرزش بخواه که او توبه پذیر است.

بعد از صلح حدیبیه، چون مشرکان پیمان شکنی کردند، پیامبر نیرویی فراهم و مکه را بدون خونریزی فتح کرد، به هر حال پیامبر اکر م صلی الله علیه و آله وسلم وارد مکه شد و به یاد روزی که از مکه مخفیانه خارج شد و به شکرانه این پیروزی سجده کرد.

پیامبر اکر م صلی الله علیه و آله وسلم بعد از فتح مکه، عفو عمومی اعلام کردند و همه را بخشیدند و مکه بدون خونریزی فتح شد. حتی هنگامی که حضرت دید مسلمانی شعار انتقام می دهد و می گوید: «الیوم یوم الملحمه» یعنی امروز تلافی می کنیم، حضرت پرچم را از او گرفت و به دست حضرت علی علیه السلام داد و فرمود: شعار را عوض کنید و بگویید: «الیوم یوم المرحمه» امروز روز رحمت است.

سپس پیامبر با تلاوت سوره فتح وارد مسجد الحرام شد و مسلمانان همراه آن حضرت تکبیر می گفتند. حضرت نزدیک کعبه آمد و بت ها را می شکست و می فرمود: «جاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْباطِلُ إِنَّ الْباطِلَ كانَ زَهُوقاً»(۱)

ص:۸۶

---

۱- . اسراء، ۸۱.

از آنجا که دست حضرت به بت های بزرگ بالای کعبه نمی رسید، به حضرت علی علیه السلام دستور داد تا پا بر دوش ایشان نهد و بت ها را سرنگون کند. سپس حلقه کعبه را گرفت و از مردم مکه پرسید: شما امروز چه انتظاری از من دارید؟ گفتند: بخشش. اشک در چشم حضرت جمع شد و مردم گریه کردند. حضرت سخن یوسف را که به برادرانش فرمود: «لا تَثْرِیبَ عَلَیکُمُ الْیوْمَ»(۱) امروز هیچ سرزنشی بر شما نیست، به زبان آورد و فرمود: همه آزادید. آنگاه جملات «لااله الا اللّه وحده وحده انجز وعده نصر عبده ...» را خواند و فرمود: هیچ کس از خون های ریخته شده و اموال غارت شده گذشته سخنی نگوید و تمام پرونده های گذشته مختومه و همه مشمول عفو عمومی شدید، پس وارد زندگی نوین شوید.

«ألحَمدُللهِ الّذی جَعَلَنا من المُتمَسّکِینَ بِولایه أمیر المؤمنین و الائمه:»



---

۱- . یوسف، ۹۲.

## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹